



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

نقش مادر و عفت و حشران

سید مجتبیٰ حسینی نژاد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش مادر در عفت دختران

نویسنده:

سید مجتبی حسینی نژاد

ناشر چاپی:

عاصم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
نقش مادر در عفت دختران	۹
مشخصات کتاب	۹
اشاره	۱۰
تقدیم به:	۱۴
پیشگفتار	۱۶
فهرست	۱۸
مقدمه	۲۲
فصل اول: مفاهیم بنیادین	۲۸
اشاره	۲۸
۱ - نقش:	۳۰
۲ - مادر:	۳۰
۳ - دختر؛	۳۱
۴ - عفت:	۳۲
فصل دوم: عفت از نگاه قرآن و احادیث	۳۴
اشاره	۳۴
گفتار اول: عفت از نگاه قرآن	۳۶
اشاره	۳۶
عفاف مردان:	۳۸
عفاف بانوان:	۳۹
عفاف در خانواده	۴۱
عفاف جوانان	۴۳
گفتار دوم: عفت از نگاه احادیث	۴۷
اشاره	۴۷

موضوع عفت:	۴۸
آثار عفت:	۴۸
عوامل ایجاد عفت و پاکدامنی:	۵۲
الف) ایمان و آگاهی:	۵۲
ب) عبرت:	۵۲
ج) القاء و تلقین:	۵۲
د) دستیابی و ازدواج:	۵۳
ه) تستر:	۵۳
و) کنترل افکار:	۵۳
ض - غیرت:	۵۴
ح - خودشناسی:	۵۴
ط - ولایت:	۵۴
ی - امور معنوی و عرفانی:	۵۴
فصل سوم: ابعاد و عوامل عفت	۵۶
اشاره	۵۶
گفتار اول: عوامل مؤثر در عفت و بی عفتی	۵۸
اشاره	۵۸
عوامل مؤثر در به وجود آمدن عفت	۵۸
عفت؛ حافظ حرمت و شخصیت زن:	۶۲
عوامل مؤثر در بوجود آمدن بی عفتی:	۶۳
آثار عفت دختران	۶۶
۱- تأثیر عفت در آزادی فکری و معنوی	۶۶
۲- تأثیر عفت دختران در سلامت روحی	۶۷
۳- تأثیر عفت دختران در سلامت جسمی:	۶۸
۴- تأثیر عفت در تشکیل و تحکیم نهاد خانواده:	۶۸
۵- تأثیر عفت در حضور اجتماعی سالم دختران	۶۹

۶۹	۶ - تأثیر عفت در رعایت احترام دختران
۷۰	۷ - تأثیر عفت در تعدیل غریزه خودنمایی دختران
۷۰	آثار بی عفتی دختران
۷۰	اشاره
۷۰	الف - اختلالات روانی:
۷۱	ب - افت تحصیلی و آموزشی در مراکز علمی؛
۷۱	ج - خشونت و آزار جنسی:
۷۱	د - زمینه ساز ردایل اخلاقی و سقوط ارزش دختران:
۷۱	اشاره
۷۲	۱- آثار خانوادگی بی عفتی دختران:
۷۲	۲ - آثار اجتماعی بی عفتی دختران:
۷۳	۳- آثار اخروی بی عفتی دختران:
۷۳	گفتار دوم: ابعاد عفت
۷۳	اشاره
۷۵	عفت از بعد نگاه
۷۷	عفت از بعد کلام
۸۱	عفت از بعد پوشش و حجاب
۸۸	فصل چهارم: نقش مادران در عفاف دختران
۸۸	اشاره
۹۰	گفتار اول: زمینه سازی مادر در ایجاد و حفظ عفت دختر
۹۰	الف - نقش مادر در عفت دختر قبل از تولد
۹۰	اشاره
۹۰	زمینه سازی، ایجاد عفت
۹۱	قبل از تولد
۹۳	ب) نقش مادر در عفت دختر بعد از تولد:
۹۳	اشاره

کودکی:	۹۳
نوجوانی:	۹۸
جوانی:	۱۰۲
گفتار دوم: تقویت عوامل مثبت در عفت	۱۰۶
اشاره	۱۰۶
الف) محیط داخل خانواده:	۱۰۸
اشاره	۱۰۸
محیط انسانی:	۱۰۹
ب) محیط بیرون خانواده:	۱۱۴
ج) الگوسازی مناسب:	۱۱۷
گفتار سوم: راه کار در از بین بردن عوامل منفی در عفت	۱۲۰
اشاره	۱۲۰
الف) راه کار محیط داخل خانواده:	۱۲۰
ب) محیط بیرون خانواده:	۱۲۵
ج) مبارزه با الگو برداری نامناسب:	۱۲۸
نتیجه	۱۳۴
راه کارها و پیشنهادات:	۱۳۶
فهرست منابع	۱۴۰
درباره مرکز	۱۴۸

سرشناسه: حسینی نژاد، سیدمجتبی، 1360 -

عنوان و نام پدیدآور: نقش مادر در عفت دختران/ سیدمجتبی حسینی نژاد.

مشخصات نشر: تبریز: انتشارات عاصم، 1398.

مشخصات ظاهری: 138 ص.

شابک: 7-04-6797-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: مادران و دختران -- جنبه های مذهبی

موضوع: Mothers and daughters -- Religious aspects

موضوع: تربیت خانوادگی

موضوع: Domestic education*

موضوع: دختران -- راه و رسم زندگی

موضوع: Girls -- Conduct of life

موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Domestic education -- Religious aspects -- Islam*

رده بندی کنگره: BP230/18

رده بندی دیویی: 297/4837

شماره کتابشناسی ملی: 5722720

ویراستار دیجیتالی: محمد منصوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

نقش مادر در عفت دختران

سید مجتبی حسینی نژاد

ص: 3

پیشگاه با عظمت و نورانی دخت نبی مکرم اسلام حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) آن که الگوی مادران و دختران در تمامی ابعاد زندگی به ویژه مسأله حجاب و عفاف بوده و هست و فرزند گرامیش آن که بشریت منتظر پاکی و عفاف جامعه به دستان مبارکش می باشد.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (1)

ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند، که این کار برای این که آن ها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند بسیار نزدیک تر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است.

انسان قبل از تعلیم و تعلم و آموختن علم و حکمت باید به تزکیه و تربیت بپردازد زیرا بدون تزکیه، تعلم علم و حکمت ممکن است حجاب اکبری شود به جای نور چراکه گفته اند:

«العلم نور» (2)

علاوه بر این که بدون تزکیه، تعلیم هم سودی ندارد. تا نفس آدمی تربیت نشود و پاک نگردد، تعلیم هر چقدر دقیق و مفید باشد در تعلّم کارساز

ص: 7

1- قرآن کریم - سوره احزاب - آیه 59.

2- بحار الانوار، مترجم: سیدعبدالحسین رضایی، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، ج دوم، 1364، ج 1، ص 225، روایت 17.

نخواهد بود.

لذا این بحث نیز تربیتی است اما با موضوع و بعد خاص یعنی عفت، آن هم در جنس خاص یعنی دختر؛ زیرا بر اثر تجاربی که از گذشته تا به حال به دست آمده، می توان به این نتیجه رسید که عفت دختر اهمیت بیش تری دارد زیرا وقتی وی عفت خویش را حفظ کند، در حقیقت اول از همه خود و در درجه ی بعد جامعه را مصون نگه داشته

و هم الگوی مناسبی برای فرزندان خود است و آن ها را همانند خود عقیف بار می آورد.

در این میان کسی که بیش ترین نقش را در عفت فرزند دختر می تواند داشته باشد، مادر است. زیرا او این دختر را در رحم خود حمل می کند، دختر از خون و شیر مادر تغذیه می کند، از دست مادر غذا می خورد، او را در بسیاری از موارد الگوی خود می داند و با مادر راحت تر مسائل خود را مطرح می کند.

لذا مادر باید بداند که: چگونه می تواند در عفت دخترش مؤثر باشد؟ عفت در چه مواردی است؟ چگونه می تواند آن را در وی ایجاد کند؟ چه نقشی در از بین بردن عوامل بی عفتی و در مقابل چه نقشی در تقویت عوامل مثبت در عفت دخترش دارد.

آن چه که در ابتدای موضوع به ذهن می رسد که می تواند گوشه ای از پاسخ های به این سؤالات باشد عبارت است از: پاک بودن نطفه، غذای حلال، کنترل، نصیحت، تأثیر دوستان و هم سالان، الگو برداری، آگاهی در روابط و بسیاری از موارد دیگر.

بنابراین در این تحقیق، سعی بر آن است تا جایی که در توان است به این سؤالات البته به تفصیل و با ارائه راه حل پاسخ داده شود.

ص: 8

«مادر» شکل دهنده‌ی شخصیت کودک و حتی سازنده‌ی آن است. کار او ظریف و حساس است، با دست‌های خود او را نوازش می‌دهد و با قلب مهربانش در دل کودک انقلاب و شگفتی به وجود می‌آورد، او با یک نوازش مادرانه دل پررنج کودک را تسکین می‌دهد و با یک زمزمه و رفتار کوچک خود، انسان می‌پرورد.

طفل و علی‌الخصوص دختر خود را از عالم ناپاکی‌ها، دورویی‌ها و حسدها دور می‌دارد، در او خیرخواهی و خیراندیشی نسبت به دیگران و شاکله‌ی وجودی او «حجاب و عفاف» را به وجود می‌آورد. بر این اساس که تصویر شد «نقش مادر» و وظیفه‌ی او اگر با معیارهای تقوا و فضیلت همراه باشد نقطه‌ی حیاتی و مرکزی جامعه‌آینده کلید می‌خورد.

حجاب و عفاف همواره به عنوان دو ارزش در جامعه‌ی بشری و به ویژه جوامع اسلامی مطرح است. این دو واژه در کنار هم به کار برده می‌شوند و در نگاه اول به نظر می‌آید

هر دو به یک معنا باشد. اما با جستجو در متون دینی به تفاوت آن‌ها پی می‌بریم. در قرآن کریم خداوند متعال عفت را از صفات مؤمنین شمرده و چهار بار از ریشه‌ی عفاف استفاده شده است.

درباره‌ی موضوع نقش مادران در عفت دختران مستقلاً کتابی نگاشته نشده

است. لیکن تألیفاتی از واژگان کلیدی آن یعنی نقش، مادر، تربیت - برای دختران و غیره نگاشته شده که در این کتاب ها به موضوع عفت به طور کلی پرداخته اند و متأسفانه در خصوص نقش مادر در عفت دختران به صورت جزئی و گذرا صحبتی به میان آمده است.

لکن یکی از دغدغه های اصلی والدین تربیت فرزندان به خصوص فرزند دختر است.

و در تربیت آن چه بیش از همه نمود دارد، عفت می باشد که خود مفهوم گسترده ای دارد و همه ابعاد تربیت را تحت تأثیر خود قرار می دهد. عفت یعنی: «خودنگه داری در قلمرو شهوات و خواسته های نفسانی»⁽¹⁾ در این جا مادر که از جنس دختر است نقش تربیتی اش موثرتر می باشد. به همین خاطر باید به نحوه ی نقش آفرینی خود در زمینه عفت دختر دلبندش آگاه شود که یکی از راه های آن مطالعه و آگاهی از رهنمودهای دینی است.

همان طور که در ابتدای بحث اشاره کردیم کتابی در خصوص نقش مادران در عفت یافت نشده و کتاب هایی که وجود دارد یا جزئی و گذرا و یا کلی از عفت بحث شده من جمله در دو کتاب زیر:

1 - کتاب: - نقش مادر در تربیت - از دکتر علی قائمی که چاپ سیزدهم آن در سال 1386 توسط انتشارات امیری تهران، منتشر شده است. این کتاب در 264 صفحه و طی 15 بخش نوشته شده است. بخش اول: نقش متعدد زن در زندگی اسلامی است که به 3 فصل با محور - نقش همسری و مادری و مدیر خانه بودن زن - اشاره می کند.

در بخش دوم تا آخر بخش 13 در مورد نقش اولیه و ثانویه مادر و وظایفی که در قبال فرزندان برعهده اوست به صورت مفصل پرداخته می شود و در

ص: 14

پنج فصل آخر به افراط و تفریط های مادران و تأثیر آن بر فرزندان را شرح می دهد.

دکتر قائمی در مقدمه این کتاب که در مرداد ماه 1356 و اوایل انقلاب بوده هدف از نگارش و پرداختن به بحث، چنین بیان می کند که این بحث در عصر و زمانی مطرح می شود که بسیاری از زنان جامعه ما به تبعیت از غرب و دنیای ماشینی چهره واقعی خود را از دست داده و آن ها را از وظایف اصلی خود بیگانه کرده است.

این کتاب شامل بحث های متعددی است و در هرکدام به طور جزئی اشاره می کند و عمق آن را بررسی نکرده است.

مخصوصاً در زمینه عفت که موضوع این تحقیق نیز می باشد مناسب بود که بین مسائل مختلف اهم و مهم می شد و بررسی عمیق تر صورت می گرفت و راه کار نیز ارائه می شد ولی از نظر که این کتاب به خواننده می رساند، که مادر با چه مسائلی رو به رو خواهد بود مفید است، چرا که راهی برای آشنایی با زمینه های تحقیق را فراهم می کند.

2 - کتاب «برای ریحانه» از حجت الاسلام و المسلمین محمود اکبری که چاپ سیزدهم آن در زمستان 1383 توسط انتشارات گلستان ادب قم منتشر شده است. این کتاب در 176 صفحه که بعد از پرداختن به مباحث کلی و مقدماتی در مورد ارزش دختر در فرهنگ اسلامی و ارتباط و وظایف والدین در خصوص آن ها در 10 قسمت مطالب را بیان کرده است.

در این کتاب با الهام گرفتن از داستان های شیرین پیرامون دختران و نکته های کوتاه و ظریف و زیبا در این زمینه مخاطب را به خود جذب کرده است و شاید همین مطلب از مواردی نکات مثبت کتاب باشد اما نقد وارد بر این کتاب این است که، مطالب به صورت پراکنده نگاشته شده حتی

فهرست کتاب نیز سازماندهی و فصل بندی نشده که تا حدودی استفاده از این کتاب را دشوار می سازد.

3 - کتاب «پرسیمان حجاب» پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قران از حجت الاسلام و المسلمین حسین مهدی زاده که چاپ پنجم آن در زمستان 1388 توسط انتشارات صهبای یقین قم منتشر شده است. این کتاب در 208 صفحه در سه فصل نگاشته شده است. در این کتاب بعد از مقدمه ای در مورد حجاب که برگرفته از آیات قران می باشد در فصل اول کلیاتی را از بحث حجاب و پوشش بیان می کند و در پایان این فصل با پرداختن به این مسئله از دید قران و حدیث مورد بررسی قرار می دهد. فصل دوم در زمینه چادر و جلباب و فواید آن سخن به میان آورده و در فصل سوم که فصل پایانی است عوامل حجاب و بدحجابی و آثار مثبت و منفی این مسئله را با سوال های زیبا و به روز بیان می کند و در آخر هم به جمع بندی و نتیجه گیری مطالب، با بیان راه کار به پایان می رساند. از مواردی که در این کتاب بسیار به چشم می آید طرح سؤالات امروزی به زبان پرسش گری که طالب یادگیری است حائز اهمیت و از مطالبی که شاید بتوان ظرف این مجموعه بیان کرد کلی گویی و بست مطالب در مورد سؤالات با جواب های کوتاه است که می توانست باعث رونق هر چه بیش تر این مجموعه گردد.

ما در این تحقیق از بیان تمام موضوعات تربیتی مربوط به خانواده بحث نقش مادر در عفت دختران را انتخاب کردیم تا با بیانی رسا آن را بررسی و مطرح کنیم شاید خدمتی در شناساندن این مهم، به مادران امروز و فردای جامعه باشد.

کودکی که به دنیا می آید بر اساس آموزه های دینی و تعالیم اسلام قبل از تولد و بعد از تولد باید بر طبق موازینی که شرع مقدس برای ما تبیین کرده

پرورش یابد از جمله ی این موازین حق اولاد نسبت به پدر و مادر است هر پدر و مادری مایل است که فرزندش را خوب تربیت کند، اما این تمایل به تنهایی کافی نیست؛ والدین باید از مسائل تربیتی کودکان و آموزه هایی که ذکر شد اطلاع وافی و کافی داشته باشند زیرا عمل کردن بدون داشتن اطلاعات کافی، نه تنها آن ها را به هدف نمی رساند بلکه ممکن است از هدف نیز دور سازد. (1)

بچه دار شدن آسان ولی مادر شدن کاری دشوار است. مادر شدن تنها زائیدن فرزند و تأمین غذا و پذیرائی از کودک نیست با توجه به این مطلب و دغدغه اکثر خانواده ها

چه دینی و چه غیر دینی به بحث اصول تربیتی نسبت به این مطلب احساس نیاز شد و بدان پرداخته شد.

این امر بدان علت است که عفت نمودهای گوناگونی دارد از جمله: عفت در نگاه، سخن و

ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در موارد دیگر را نداشته باشد که این خود، حجاب بدون عفت است پس باید همه ابعاد عفت شناسایی شود و مادر بر حسب آن شناسایی ابتدا خود و سپس به دخترش منتقل نماید.

در این میان لازم است مادر بداند که عفت با حجاب فرق دارد. اکثراً به محض شنیدن کلمه ی «عفت» همان حجاب را تصور می کنند در حالیکه این دو با هم فرق دارند.

مسأله اصلی و بنیادین عفت است، عفت فراتر و برتر از حجاب است. حجاب همان پوشش ویژه و عفت یک خصلت و بینش و منش است. حجاب پوشش بیرونی است ولی عفت هم پوشش بیرونی و هم درونی است.

ص: 17

1 - نقش:

جمع این کلمه «نقوش» (1) است و این واژه در مواقع مختلفی مثل شکل و «صورت کسی یا چیزی را کشیدن» (2) استفاده می شود.

معنی لغوی: واژه ی «نقش» در معنی متعدد و زیادی به کار رفته است از جمله «تصویر، نگاهش، خلقت، لیاقت» (3) رنگ آمیزی کردن (4) و...»

معنی اصطلاحی: در توضیح و تفسیر این کلمه باید گفت که این واژه مهم ترین و اصلی ترین زمانی به کار می رود که اثر و نشانی روی زمین یا چیزی گذاشته شده و باقی مانده باشد. (5)

2 - مادر:

کسی است که امر پرورش فرزندان را در دوران حمل و بعد از آن بر عهده دارد.

ص: 21

1- فرهنگ عمید، ص 1066.

2- همان.

3- لغت نامه دهخدا، ش مسلسل 134 حرف ن ج 46 صص 696 الی 698..

4- فرهنگ عمید (شماره 1).

5- فرهنگ عمید، ص 698.

معنی لغوی: واژه ی «مادر» در واقع ترجمه ی «ام» است که «والده» باشد. (1) البته «مام و ماما و مار» هم گفته شده است. (2)

معنی اصطلاحی: کلمه ی «مادر» مفهوم گسترده ای دارد و وصف ناشدنی است ولی آن چه در کتب لغت به صورت معنای قالبی آمده این است که «مادر یعنی زنی که فرزند دارد، (3) زنی که یک یا چند بچه به دنیا آورده باشد». (4)

اما مراد ما در این پژوهش از واژه «مادر» یعنی؛ کسی که پرورش فرزند را به عهده دارد چه در دوران حمل یا بعد حمل تا شامل زنی که فرزند را به دنیا نیاورده و تنها در تربیت او نقش دارد بشود.

3 - دختر؛

معنی لغوی: واژه دختر در مقابل مفاهیم بسیاری قرار دارد مثل: «ابنه، بنت، ولیده، شعرة، نافجة (5)، دوشیزه، دخت و دخ هم گویند». (6)

معنی اصطلاحی: دختر در مقابل پسر است که فرزند نرینه ی آدمی است (7) به تعبیر دیگر دختر فرزند مادینه انسان است و زنی است که مرد ندیده و باکره است. (8)

ص: 22

1- لغت نامه دهخدا، شماره مسلسل 195، شماره حرفم (بخش ن) ج 40 ص 20.

2- فرهنگ عمید، ص 914.

3- عمید، حسن: همان.

4- دهخدا، علی اکبر: همان.

5- لغت نامه دهخدا. ش مسلسل 68، حرف د، ج 22، ص 282

6- فرهنگ عمید، ص 466.

7- همان.

8- فرهنگ فارسی معین، ج 2، ص 1498.

جمع آن «اعفّه و اعفّا» می باشد. (1) و به شخصی که این صفت را دارد عقیف می گویند. (2)

معنی لغوی: واژه عفت، مفهوم وسیعی دارد؛ هیچ واژه ی دیگر نمی تواند در مقابل آن قرار گیرد که هم سنگ آن باشد ولی از باب نمونه، چند واژه که در راستای معنای کلمه ی «عفت» هستند آورده می شود از جمله:

«پرهیزکاری (3)، پارسایی و پاکدامنی (4)»

این واژه هنگامی به کار می رود که انسان از محرّمات مخصوصاً شهوات حرام احتراز کند (5) و از آن چه جایز و نیکو نباشد خواه، در گفتار و خواه در کردار، امتناع ورزد. (6)

معنی اصطلاحی؛

بهترین توضیح و تفسیری که درباره این واژه می توان گفت: این است که:

«حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله ی آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می شود (7) به خصوص شهوت جنسی و امور مالی» چنان که در اخبار هم بیش تر به خودداری از شهوات مربوط به فرج و

ص: 23

1- المعجم الوسیط، ج 2، ص 611

2- فرهنگ لغات قران، ص 362

3- فرهنگ فارسی معین، ج 2، ص 1498

4- (همان)

5- همان ص 2319

6- همان، ج 32، ص 331

7- ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قران کریم مترجم:؟ سید غلامرضا خسروی حسینی، ج 2، ص 618

شکم اطلاق می شود. (1)

امام باقر علیه السلام فرمود:

«ما عبدالله بشيء افضل من عفه بطن وفرج» (2)

یعنی: عفت بطن و فرج نزد خداوند از هر عبادتی بالاتر است.

در آیات قرآن کلمه «عفت» به کار برده نشده ولی مشتقات آن یعنی؛ «تعفف و يستعفف» آمده که در جای خودش - فصول بعدی - به آن پرداخته می شود.

ص: 24

1- معارف و؟، ج 4، ص 1568

2- اصول کافی، مترجم: آية الله محمد باقر كمره ای، ج 4، ص 240

پس از آشنایی با عوامل عفت و بی عفتی و پرداختن به بعضی از روایات به بررسی مسأله عفت در متون دینی - آیات و روایات - می پردازیم. مؤمن معتقد، این فرموده ها را تعبداً می پذیرد. پس زمینه ورود به این بحث، مشخص شدن جایگاه نبوت و امامت - راهنما شناسی - در نظام فکری افراد است. بدیهی است زمانی سخنان معصوم به جان آدمی می نشیند و نفوذ می کند که آگاه به مقام و جایگاه آن بزرگواران در چرخه هستی باشد و «قاعده لطف» را به تمام ادراک کرده باشد. (1)

در قرآن کریم خداوند متعال عفت را از صفات مؤمنین شمرده است. در قرآن چهار بار از ریشه «عفاف» استفاده شده است.

1 - سوره ی بقره: آیه ی 273

«يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ»

کسانی که از حال آن ها اطلاعی ندارند، به خاطر خویشتن داری و عفت نفس ایشان، گمان می کنند که آن ها غنی و بی نیازند.

در این آیه شریفه، کنش بزرگ منشانه، «مناعت طبع» یعنی: خویشتن داری،

ص: 27

عزت نفس و امتناع از دست نیاز دراز کردن در مقابل دیگران، عفاف است.

2 - سوره ی نساء، آیه ی 6: درباره شناخت زمان رشد و بلوغ یتیمان به سرپرستان سفارش می کند که از دست یازی به اموال یتیمان خودداری کنند و عفاف ورزند. این آیه نیز خویشتن داری را عفاف خوانده است.

3 - سوره ی نور، آیه ی 32:

«وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»

و کسانی که اسباب زناشویی نمی یابند پاک دامنی ورزند تا خداوند از بخشش خویش توانگرشان گرداند. در این آیه شریفه، خویشتن داری (استعفاف) را به رام کردن قوه جنسی اطلاق فرموده است.

4 - سوره ی نور، آیه ی 60:

«وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ»

و زنان یا نسه ای که امید زناشویی ندارند گناهی نیست که جامه ها (چادرهایشان) را فرو گذارند، به شرط آن که زینت نمایی نکنند و اگر پاکدامنی بورزند (و چادر را فرو نگذارند) بهتر است و خداوند شنوای داناست.

در زبان پارسی، از خویشتن داری در امور جنسی، به پاکدامنی تعبیر می کنند که بخشی از معنای «عفاف» است.

زیرا عفاف، مطلق خویشتن داری را گویند. همان گونه که در آیات یاد شده، از خویشتن داری با کلمه استعفاف و تعفف یاد شده است. (1)

ص: 28

قرآن کریم عالی ترین مضامین انسان ساز و زندگی را در خود دارد. بی شک اگر جوامع انسانی به این مضامین آسمانی عمل نمایند بی عفتی و رذائل اخلاقی از زندگی رخت بر بسته، فضیلت های اخلاقی و انسانی جای آن نشسته و جامعه ای ارزشی و سالم پدید می آید. (1)

عفاف مردان:

آیه ی اول: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (2)

ترجمه: به مردان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرم) فرو ببندند و فرج خود را حفظ کنند، این برای آن ها پاکیزه تر است. خداوند به آن چه انجام می دهند آگاه است. آیه شریفه در راستای حفظ عفت عمومی در جامعه، دو وظیفه برای مردان مؤمن در نظر گرفته است: وظیفه اول: چشمان خود را از نگاه به حرام فرو بندند. (یغضوا من ابصارهم)

یغضوا از ماده «غَضَّ» در اصل به معنای کم کردن است و در بسیاری از موارد به کوتاه کردن و یا کم کردن نگاه گفته می شود. (3)

چنان که ملاحظه می گردد به جای «نگاه نکردن» از تعبیر «کوتاه کردن نگاه» استفاده شده است و این تعبیر نکته ظریفی را در خود دارد و آن این است که؛ منظور از چشم پوشی از نگاه مردان به زنان نامحرم این نیست که آنان چشمان خود را ببندند، چرا که چشمان بسته خطراتی در پیش رو دارد و اگر بنا باشد هر مردی با دیدن زن نامحرم دیدگانش را ببندد سیستم زندگی

ص: 29

1- پیامبر اعظم و مسائل خانواده، ص 124.

2- سوره مبارکه نور - آیه 30.

3- تفسیر نمونه زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، ج 14، ص 436

از هم پاشیده می شود. بلکه منظور این است که مؤمنین در مواجهه با زنان نامحرم به گونه ای نگاه نکنند که چشمانشان از نگاه به او پر شود، آنان باید برای لحظاتی شعاع نگاه خود را کوتاه کنند تا زن نامحرم از حوزه ی دید خارج گردد.

وظیفه دوم: حفظ عورت (و یحفظوا فروجهن)

منظور از فرج اشاره ای کنایی به عورت است که در زبان فارسی از آن به دامن تعبیر می گردد. (1) این وظیفه، مردان را متعهد می کند تا عورت خود را در برابر نامحرم بپوشانند. به این ترتیب روشن می گردد که پوشش، فقط اختصاص به بانوان ندارد بلکه مردان نیز تا حدی که شرع مقدس اسلام آنان را ملزم کرده، باید پوشش داشته باشند.

اما زنان از جهت خصلت طبیعی که همان جنبه خاص زنانگی، ظرافت، لطافت و جاذبیت است، با مردان، تفاوت محسوس و انکار ناپذیر دارند. (2)

عفاف بانوان:

آیه دوم: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّبِيعِينَ غَيْرَ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ

ص: 30

1- همان، ص 436.

2- گستره عفاف به گسترده گی زندگی، ص 117

ترجمه: و به زنان با ایمان بگو چشم از نگاه به مردان اجنبی فرو بندند و فرج های خویش را حفظ کنند و زینت خویش را جز آن چه آشکار است آشکار نسازند و باید که روپوش هایشان را به گریبان ها کنند و زینت خویش را نمایان نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدران و یا پدر شوهران یا پسران و یا پسر شوهران و یا برادران و یا خواهرزادگان و یا برادرزادگان و یا زنان و یا آن چه مالک آن شده اند یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند و یا کودکانی که از اسرار زنان خبر ندارند و مبادا پای خویش را به زمین بکوبند تا آن چه از زینت شان که پنهان است ظاهر شود. ای گروه مؤمنان همگی به سوی خدا توبه برید شاید رستگار شوید.

این آیه شریفه را می توان «منشور عفاف» نامید، چرا که عمل به محتوای آن راهگشای بن بست های اخلاقی و اجتماعی دنیای امروز است. بی شک اگر جوامع مختلف به خصوص جوامع اسلامی به اسلام برگردند و به این آیات نورانی و نجات بخش توجه کرده و آن را زیربنای قوانین و مقررات خود قرار دهند، سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت را برای جامعه و مردم خود به ارمغان خواهند آورد. در این آیه شریفه وظایفی در راستای ترویج و فرهنگ عفت و پاک دامنی برای زنان مؤمنه مشخص شده است، ناگفته پیداست نقش زنان در گسترش فرهنگ عفت، نقش محوری و تأثیرگذار است. وظایف بانوان عبارت است از:

1 - چنان که نگاه به زنان نامحرم برای مردان حرام است، زنان نیز باید از نگاه حرام به نامحرم خودداری کنند و در مواجهه با نامحرم افق دید چشمان خود را کوتاه نمایند.

ص: 31

2 - پاک دامنی زنان، پاکی جامعه را به دنبال دارد. لذا بر زنان لازم است همواره در حفظ دامن خویش از آلودگی، فساد و معصیت نهایت تلاش را به عمل آورند.

3 - جلوه گری زنان در جامعه ممنوع است. چراکه همواره شکارچیان عفت با چشم ها و دل های ناپاک در پی یافتن شکار برای خود هستند. 4 - آرایش و آشکار ساختن زینت آلات جز برای شوهر و محارم ممنوع است. بانوان مؤمنه باید نسبت به این مهم مقید باشند. (1)

5 - مسائل شرعی از جمله مباحث محرم و نامحرم را به خوبی یاد گرفته و حریم آن را در خانه، خانواده و جامعه پاس دارند.

6 - زنان عفیفه به هیچ عنوان نباید تحت تأثیر القائنات فرهنگی بیگانه و یا سنت های

رایج در جامعه که با موازین دینی سازگاری ندارد قرار گیرند بلکه باید سنت ها و مدل های غلط و مفسده انگیز را درهم شکسته و آموزه های دینی را جایگزین آن نمایند.

7 - راه رفتن (رفتار، گفتار، کردار) زنان به گونه ای نباشد که جلب توجه نماید.

عفاف در خانواده

آیه ی سوم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ...» (2)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما، و هم چنین کودکان تان

ص: 32

1- پیامبر اعظم و مسائل خانواده، صص 125-126.

2- سوره ی مبارکه نور، آیه ی 58.

که به حدّ بلوغ نرسیده اند،

در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیم روز هنگامی که لباس های (معمولی) خود را بیرون می آورید،

و بعد از نماز عشاء؛ این سه وقت خصوصی برای شماست.

خانواده به عنوان هسته کوچکی از جامعه، نقش محوری در سعادت و شقاوت جامعه دارد. اگر خانواده های یک جامعه آراسته به، فضائل اخلاقی در تربیت دینی باشد آن جامعه نیز مزین به فضایی معنوی خواهد بود و اگر خانواده ها به جای حاکمیت دین، گناه، فساد، رذائل و بی بندوباری و بی عفتی حاکم باشد طبیعتاً جامعه نیز از آن تأثیرپذیر است. اسلام

برای این که جامعه، جامعه ای عقیف باشد راه کارها و دستورات مختلفی را ارائه نموده است.

یکی از این راه کارها سالم سازی فضای خانواده است؛ به نحوی که عفت و پاک دامنی در خانه ها و خانواده ها نهادینه گردد و فرزندان از همان سن کودکی، عفاف را تمرین نمایند تا در آینده شخصی عقیف گردند. برای نیل به این هدف مقدس در این آیه شریفه از اولیاء خواسته شده است:

1 - نسبت به انتقال و آموزش مسائل دینی و احکام شرعی به خصوص عفت و پاک دامنی فرزندان، جدّیت به خرج دهند. چرا که مسئولیت تربیت دینی خانواده به عهده آنان است و در روز قیامت باید نسبت به این وظیفه پاسخ گو باشند. (1)

2 - محل استراحت خود را از محل استراحت فرزندان تفکیک نموده و در زمینه زناشویی مراقبت های لازم اخلاقی در محیط خانه به عمل آورند.

3 - فرزندان را توجیه کنند که در ساعات مخصوص استراحت والدین به حریم پدر و مادر تعرض نکنند و در صورت ضرورت قبلاً با پدر و مادر

ص: 33

هماهنگ نموده و برای ورود به اتاق آنان اجازه بگیرند.

4 - اوقات خاص استراحت پدر و مادر معمولاً پیش از نماز صبح، نیم روز (ظهر) و انتهای شب (بعد از نماز عشاء) می باشد که باید توجه فرزندان را به این مساله جلب نمود.

5 - پدر و مادر باید برای ساعات استراحت خویش برنامه ریزی نمایند تا فرزندان نیز خود را با آن ساعات وفق دهند.

عفاف جوانان

آیه ی چهارم: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (1)

ترجمه: و آن هایی که وسیله ازدواج نداشته باشند باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را از فضلش بی نیاز سازد. ازدواج یک نیاز فطری است نیازی مانند همه نیازهای دیگر از قبیل گرسنگی، تشنگی و... هم چنان که همه نیازها و غرایز بشری باید ارضاء گردد، غریزه جنسی هم باید پاسخ داده شود، اسلام به هیچ وجه موافق سرکوب غرایز نیست بلکه معتقد است غرایز باید طبق برنامه ای شرعی و اخلاقی پاسخ داده شود.

کلید ارضاء غریزه جنسی ازدواج است، ازدواجی مشروع منطبق بر اصول اخلاقی و اسلامی، ازدواجی ساده و بی پیرایه اما متأسفانه شرایط امروز به نحوی است که مردم از شرایط ازدواج اسلامی فاصله زیادی گرفته اند توقعات، تجملات، سخت گیری ها، آداب و رسوم غلط، چشم و هم چشمی ها، این

ص: 34

مسأله آسان و ساده را به مسأله ای پیچیده و غیر قابل دسترسی مبدل کرده است. بسیاری از جوانان شب ها و روزها را در آرزوی داشتن همسری مهربان و با وفا می گذرانند و چه بسا برخی از آنان آلوده به گناه و معصیت می شوند و قربانی فرهنگ بی بند و باری، فساد و فحشا گشته و رواج بی عفتی، بدحجابی، برهنگی، مدپرستی، اینترنت، ماهواره، نشریات مبتذل هویت دینی و اخلاقی آنان را تهدید می کند.

لذا خداوند متعال در این آیه شریفه به یاری افرادی می آید که به دلایل فوق یا به هر دلیل دیگر زمینه ازدواج برایشان فراهم نیست و به آنان گوشزد می فرماید که شرائط، محیط، مشکلات و موانع مجوزی برای ارتکاب به گناه نیست. آنان باید مراقب باشند که عفت و پاک دامنی خود را از دست نداده و در مواجهه با امواج تهاجم فرهنگی و ضد اخلاقی تقوا پیشه نموده و به فضل خداوند امیدوار باشند. (1) بدیهی است دژ محکم عفت و امید به فضل الهی روحیه ی این افراد را قوی کرده و آنان را در مواجهه با گرفتاری ها و مشکلات یاری خواهد کرد.

آیه ی پنجم: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (2)

ترجمه: ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند، که این کار برای این که آن ها (به) عفت و حرّیت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند بسیار نزدیکتر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است.

در شأن نزول این آیه آمده است:

ص: 35

1- پیامبر اعظم و مسائل خانواده، ص 130.

2- سوره مبارکه ی احزاب، آیه ی 59.

گروهی از زنان مسلمان به مسجد رفته و پشت سر پیامبر (نماز می گذارند، هنگام شب، موقعی که برای نماز مغرب و عشاء می رفتند. بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آن ها می نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنان را آزار داده و مزاحم آن ها می شدند. آیه فوق نازل شد و به آن ها دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند. (1)

بر این اساس:

- 1 - خطاب خداوند تمام زنان مؤمنه است و دستور حجاب شامل آن ها می گردد.
- 2 - پوشیدن لباسی که معرف شخصیت زن برای تأمین عفت و آبروی او باشد، لازم است.
- 3 - به هر وسیله ممکن است باید بهانه را از دست افراد بیمار و هرزه بگیریم.
- 4 - نوع لباس مردم در جامعه می تواند معرف شخصیت، دیدگاه، مکتب و هدف آن ها باشد.
- 5 - سرچشمه بسیاری از مزاحمت های هوس رانان نسبت به زنان و دختران، نوع لباس خود آن هاست.
- 6 - زنان باحجاب باید جو عمومی عفاف و پاکدامنی را حفظ کنند و فرصت هرزگی را از هوس بازان بگیرند.

آیه ششم: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ

ص: 36

1- تفسیر نمونه، همان ذیل آیه شریفه، ج 17، ص 425.

ترجمه: در خانه های خود بمانید و هم چون جاهلیت در میان مردم ظاهر نشوید.

«قرن» از ماده وقار به معنای سنگین است که کنایه از قرار گرفتن در خانه هاست، «تبرج» نیز به معنای آشکار شدن در برابر مردم است و منظور از «جاهلیت اول» ظاهراً همان جاهلیتی است که مقارن عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و به طوری که در تواریخ آمده، در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روسری های خود را به پشت سر می انداختند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن بند و گوشواره های آنان نمایان بود. خداوند متعال در این آیه زنان پیامبر (صلوات الله و سلامه علیه) را توصیه فرموده که مانند زنان عصر جاهلیت نباشند هر چند این حکم یک حکم عام است و تکیه آن بر زنان پیامبر (صلوات الله و سلامه علیه) به عنوان تأکید بیش تر است.

به طور خلاصه می توان پیام های این آیه را به شرح ذیل بیان کرد:

1 - جایگاه زن در خانه است، اگر هم زن بیرون خانه می رود باید بدون خودنمایی باشد.

2 - خودنمایی و پوشش نامناسب، نشانه تمدن نیست، بلکه نشانه جاهلیت است.

3 - جاهلیت اول، نشان دهنده جاهلیت آخری است که ما امروز شاهد آن هستیم. (2)

4 - آیه هفتم: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا

ص: 37

1- سوره مبارکه ی احزاب، آیه ی 33.

2- ذیل آیه شریفه، ج 17، ص 225.

ترجمه: (ای همسران پیامبر، شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستند اگر تقوی پیشه کنید.) بنابراین به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید.

زنان به هنگام سخن گفتن و برخورد با نامحرم باید جدی، خشک و البته به طوری معمولی سخن بگویند نه هم چون زنان سبک سر، کمبود شخصیت خود را با سخنان تحریک آمیز

و الفاظی توأم با ناز و شهوت جبران کنند. چرا که این حرکات و ژست ها جامعه را به سوی بی عفتی پیش می برد و بیماری های روحی را تشدید می نماید.

گفتار دوم: عفت از نگاه احادیث

اشاره

آمیخته شدن زندگی انسان ها با خصلت نیکوی عفت، زندگی را در عرصه های مختلف معنا دار و مستحکم نموده، راحتی، آسایش، شخصیت و آرامش واقعی را برای آنان به ارمغان آورد. و نسلی سالم و آینده ای پربار، محیطی معنوی و جامعه ای عقیف و سربلند را در پی خواهد داشت، در مقابل اگر انسان ها از این خصلت حسنه دور باشند و در منجلا ب فساد و بی عفتی بیفتند چیزی جز پشیمانی، لذت زود گذر، عقده، خود خوری، شرمساری، جنون و صدها آفت جسمی و روحی به دست نخواهند آورد. چه بسا یک لحظه هوسرانی و فاصله گرفتن از عفت یک عمر پشیمانی و اندوه را برای آن ها به بار خواهد آورد.

با بررسی در مضامین دینی به گونه های مختلف از عفت بر می خوریم که هر کدام در جایگاه خود اهمیت به سزایی در رشد و تعالی انسان ها دارند. در

ص: 38

موضوع عفت:

عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: الْفَضَائِلُ أَرْبَعَةٌ أَجْنَسٌ: أَحَدُهَا: الْحِكْمَةُ وَقَوَامُهَا فِي الْفِكْرِ. وَالثَّانِي: الْعِفَّةُ وَقَوَامُهَا فِي الشَّهْوَةِ وَالثَّلَاثُ: الْقُوَّةُ وَقَوَامُهَا فِي الْغَضَبِ. وَالرَّابِعُ: الْعَدْلُ وَقَوَامُهَا فِي اعْتِدَالِ قُوَى النَّفْسِ. (1)

امام علی (علیه السلام) فرمود: فضایل بر چهار گونه اند: 1 - حکمت که موضوع آن فکر است، 2 - عفت که موضوع آن شهوت است، 3 - قوه و نیرو که موضوع آن غضب است، 4 - عدالت که موضوع آن اعتدال نفسانی است.

اصول اخلاقی انسانی 3 چیز است: قوه شهویه، قوه غضبیه، قوه عاقله؛ و هر یک از این سه قوه را از حیث فعلیت و تجلی می توان به سه قسم تقسیم کرد: حد افراط، تقریط، حد اعتدال. و هر یک از این قوی را اثری ویژه در روان و کردار آدمی است و در این باره باید گفت که:

حد اعتدال «قوه ی عاقله» که آدمی را به خیر و نیکی فرا می خواند و از بدی و اعمال ناپسند باز می دارد «حکمت» است و حد افراط آن را «جُرْبُزَه» و تقریط آن «غباوت» خوانده می شود، و «قوه شهویه» نیز اگر در حد اعتدال خویش قرار گیرد، «عفت» نام دارد و اگر به حد افراط برسد «شره» و تقریط آن «خمود» نامیده می شود. (2)

آثار عفت:

برای این فضیلت اخلاقی در روایات ما آثار برجسته ای ذکر شده است

ص: 39

1- معدن الجواهر و رباضه الخواطر، مترجم، حسینی، احمد، ناشر المكتبة المرتضوية، ص 40.

2- ترجمه و شرح نهاية الحکمة، مترجم علی شیروانی، فصل 15، مرحله ی 6، صص 476 - 479.

که آن آثار در زمینه سایر فضائل اخلاقی کمتر به چشم می خورد و این خود شاهد بر اهمیت حیاء و پاکدامنی و نقش حیاتی آن در رشد و کمال روح و روان بشر است.

پاکدامنی موثرترین عامل برای پیدایش «ورع» و تلاش در زمینه ی «اجتهاد» است. از این رو بهترین خوی و صفتی است که موجب حرکت در مسیر دین می باشد به راستی انسان با توجه به زشتی تخلف از فرامین الهی و قانون شکنی و احساس شرمندگی در محضر پروردگار و انبیاء گرامی و ائمه معصومین ع و فرشتگان، از هر کار ناپسندی پرهیز می کند در نقطه مقابل این انسان عالم، انسانی بی پروا و گستاخ وجود دارد که هیچ عاملی موجب مهار کردن این انسان افسار گسیخته نمی شود و همانند حیوانات زندگی خواهد کرد چرا که او به جهت محرومیت از خرد و عقل، زشتی کارهای بد را نمی یابد و مرتکب هر عمل ناپسندی می گردد.

در روایات:

الف - دست یابی به حکمت؛

عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قُرِنَتِ الْحِكْمَةُ بِالْعِصْمَةِ. (1)

امام علی (علیه السلام) فرمودند: حکمت، با عصمت و پاک دامنی قرین است

ب - مصونیت:

عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: الْعِفَّةُ تُضَعِّفُ الشَّهْوَةَ. وَعَنْهُ: مَنْ أَلْهِمَ الْعِصْمَةَ أَمِنَ الزَّلَلَ. (2) پاک دامنی و عفت، شهوت و خواسته های نفسانی را تضعیف و تعدیل می کند

ص: 40

1- غررالحکم و دررالکلم، مترجم، رجائی، 1410 ق، ص 497.

2- همان، صص 124 - 618.

و نیز فرمود: کسی که دارای صفت پاک دامنی است از لغزش ها مصون می ماند.

ج - روشن ضمیری:

عن النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم): غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ. (1)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: دیده‌گان خود را از نگاه به نامحرم بپوشید تا آن چه را که دیگران از دیدن آن عاجزند ببینید.

عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: طَهَّرُوا أَنْفُسَكُمْ عَنْ دَنَسِ الشَّهَوَاتِ تُدْرِكُوا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ.

د - فرشته خوئی:

الإمامُ عَلِيُّ (عليه السلام) قَالَ: مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ، لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ. (2)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: پاداش انسان پاک دامنی که می تواند گناه کند ولی بر اثر پاک دامنی از آن پرهیز می کند از شهید در میدان نبرد کمتر نیست و چه بسا که انسان پاک دامن و عفیف در شمار فرشتگان الهی باشد.

ه - صبر:

رُويَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ الصَّبْرَ عَلَى التَّقْوَى أَهْوَنُ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى عَذَابِ اللَّهِ. (3)

ای مردم! در برابر خواهش های نفسانی، صابر باشید و تقوی را پیشه خود

ص: 41

1- مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، مترجم، مصطفوی، ش، ص 173. . همان، ص 436.

2- ترجمه نهج البلاغه، حکمت 474، ص 530.

3- ترجمه نهج البلاغه، ص 220.

سازید زیرا صبر بر تقوی، آسان تر است از صبر بر کفر الهی.

و - حکمت

عَنِ الْإِمَامِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: قُرِنَتِ الْعِصْمَةُ بِالْحِكْمَةِ وَكُلَّمَا قَوَّيْتُ الْحِكْمَةَ ضَعُفَتِ الشَّهْوَةُ. (1)

حکمت، با عصمت و پاکدامنی همراه است و هرگاه که حکمت، در آدمی تقویت شود، شهوت او تضعیف می گردد.

عفت مردان قبیله:

رُويَ تَزَوُّجُوا إِلَى آلِ فُلَانٍ فَإِنَّهُمْ عَفُّوا فَعَفَّتْ نِسَاءُؤُهُمْ وَلَا تَزَوُّجُوا إِلَى آلِ فُلَانٍ فَإِنَّهُمْ بَغَوْا فَبَغَتْ نِسَاءُؤُهُمْ. وَقَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوَارَةِ إِنَّ اللَّهَ قَاتِلُ الْقَاتِلِينَ وَ مُفَقِّرُ الزَّانِينَ لَا تَزْنُوا فَتَزْنِي نِسَاءُؤُكُمْ. (2)

در حدیث آمده است که امام فرمود: با زنان آل فلان ازدواج کنید زیرا آنان پاکدامن بودند پس زنان آنان نیز پاکدامن اند، ولی با زنان آل فلان ازدواج نکنید، زیرا اینان به فحشاء روی آوردند. پس زنان آنان نیز به ناپاکی پرداختند و نیز فرمود: در تورات آمده است: البته خدا، قاتلان را از پای در می آورد و زناکاران را تنگدست می سازد. پس زنا نکنید زیرا اگر چنین کنید زنانان به زنا رو می آورند.

ح - مقابله به مثل:

عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: عَفُّوا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّ نِسَاؤُكُمْ. (3)

ص: 42

1- الکافی، مترجم، غفاری علی اکبر، آخوندی، محمد، ص 554.

2- الکافی، همان، ج 5، ص 554.

3- الکافی، همان، ج 5، ص 554.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: چشم پوشی کنید از ناموس دیگران، تا از نظر کردن به ناموس شما خودداری شود.

عوامل ایجاد عفت و پاکدامنی:

الف) ایمان و آگاهی:

عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: فَعَصَمَ السُّعْدَاءُ بِالْإِيمَانِ. (1)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: انسان های پاک دامن و سعادت مند به وسیله ی ایمان به خدا به این صفت نائل آمده اند.

ب) عبرت:

عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: الْإِعْتِبَارُ يُفِيدُ الْعِصْمَةَ. (2) عبرت باعث پاک دامنی و عدم آلودگی است.

ج) القاء و تلقین:

وَعَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ وَفَرَّوْجَكُمْ بِتِلَاوَةِ سُورَةِ النُّورِ وَحَصَّنُوا بِهَا نِسَائَكُمْ فَإِنَّ مَنْ أَدْمَنَ قِرَاءَتَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ أَوْ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يَزِنْ أَحَدٌ مِنْ بَيْتِهِ أَبَدًا حَتَّى يَمُوتَ. (3)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خانواده و اموال خود را با قرائت سوره ی نور حفظ کنید و زنان خود را به وسیله آن مصون و محفوظ نگه دارید؛ زیرا کسی که همیشه،

ص: 43

1- پرورش روح (ج 1)، ص 143.

2- همان.

3- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، 1456.

روزی یک بار این سوره را قرائت کند هیچ فردی از اهل منزل او به فحشاء کشانده نخواهد شد.

(د) دستیابی و ازدواج:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا كَثُرَتِ الْمَقْدِرَةُ قَلَّتِ الشَّهْوَةُ. (1)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: وقتی دسترسی به حلال میسر شود تمایل درونی کم تر می شود.

(ه) تستر:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: وَاكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ يَا هُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ خَيْرُ لَكَ وَلِهِنَّ مِنَ الْارْتِقَابِ. (2)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: به وسیله ی حجاب چشم های زنان خود را پاک نگاه دارید زیرا سخت گیری در مورد حجاب، آن ها را سالم تر و عفیف تر نگاه خواهد داشت.

(و) کنترل افکار:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْآثَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْبُطْنِ عَنِ الطَّعَامِ. (3)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: بازداشتن دل از افکار ناشایسته، بهتر است از

ص: 44

1- شرح نهج البلاغه ابی الحدید، مترجم، ابراهیم، محد ابوالفضل، ج 19، ص 78.

2- جامع احادیث الشیعه (بروجردی)، مترجم، جمعی از محققان، ج 25، ص 562. غرر الحکم ودر الکلم، همان، ص 422. نهج البلاغه (صبحی صالح)، مترجم، فیض الاسلام، ص 477.

3- غرر الحکم ودر الکلم، همان، ص 422.

ض - غیرت:

قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ ... وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ. (1)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: ارزش مرد به اندازه همت و پاک دامن‌ی او به اندازه غیرت اوست.

ح - خودشناسی:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ. (2)

امیر المومنین علی (علیه السلام) فرمودند: کسی که نفس خود را گرامی بدارد، شهوات و خواست های نفسانی، در پیش او حقیر و بی ارزش خواهد بود.

ط - ولایت:

عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: أَلْهِمُوهُنَّ حُبَّ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ ذُرُوهُنَّ بُلْهًا. (3)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: عشق و محبت به امیرالمؤمنین را در اعماق و جان دختران خود پرورش دهید.

ی - امور معنوی و عرفانی:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ لِأَصْحَابِهِ: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ

ص: 45

1- نهج البلاغه (صبحی صالح)، مترجم، فیض الاسلام، ص 477.

2- نهج البلاغه (صبحی صالح)، همان، ص 555.

3- وسائل الشیعه، مترجم، موسسه آل البيت (علیه السلام)، ج 20، ص 177.

عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى فَلَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ عَلَى قَلْبِهِ سَبِيلًا لِيَصْرِفَ بَصَرَهُ عَنْهَا فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ فَلْيَصِلْ رَكَعَتَيْنِ وَيَحْمَدُ اللَّهَ كَثِيرًا وَلْيَصِلْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهُ يَفْتِيحُ لَهُ مِنْ رَأْفَتِهِ مَا يَغْنِيهِ. (1)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به اصحاب خویش فرمودند: هنگامی که زنی نظر شما را جلب کرد، فوراً به همسر خود رجوع کنید زیرا آن چه که نظر شما را جلب نمود در او نیز سراغ است و آن مرد باید شیطان را مهلت نزدیک شدن به قلب خود ندهد و باید دیدگان خود را از توجه به آن زن «اجنبی» فروبندد و اگر دارای همسر نیست دو رکعت نماز گذارد و به حمد و ثنای الهی بپردازد و صلوات بر پیامبر و آل وی فرستد و سپس از خدا درخواست کند تا با رحمت و لطف خود او را از راه دست یابی حلال، روی آوردن به حرام بی نیاز کند.

ص: 46

1- اهدایة الامة الى الاحکام الائمة (علیه السلام)، مترجم، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی گروه حدیث، ج 7، ص 122.

رفتار هر مسلمانی باید تجلی تربیت دینی باشد به تعبیری دیگر ارزش های اخلاقی اسلام باید در رفتار تک تک مسلمانان جلوه پیدا کند. خلوت کردن و اختلاط با نامحرمان، معاشرت با دوستان ناباب بی موالاتی پدر و مادر در فضای خانواده محیط ناسالم و از جمله مواردی هستند که منجر به خدشه دار شدن عفت می گردد.

زمینه سازی ازدواج به موقع، آسان و ساده فرزندان، مراعات مسائل اخلاقی در زمینه زناشویی، و عمل به دستورات اسلام در مورد مسائل خانوادگی از جمله مواردی هستند که توجه به آن عفت را تقویت می بخشد رعایت حریم محرم و نامحرم پرهیز عملی از معاشرت های حرام توجه جدی به تربیت دینی خانواده رعایت حقوق متقابل بین پدر و مادر و فرزندان و هم چنین جدی گرفتن حقوق اجتماعی و از مصادیق دیگر عفت است وظیفه ی زنان پرهیز از اعمال و رفتارهای جلب توجه کننده و غیر عقیفانه است.

عوامل مؤثر در به وجود آمدن عفت

به طور کلی ریشه یابی مسائل کمک زیادی به بررسی و حل آن ها می کند، در زمینه عفت نیز باید عوامل مؤثر در عفت شناخته و بررسی شود تا

بتوان گام بیش تری در جهت تقویت آن ها نمود و هم عوامل مؤثر در بی عفتی را شناخت تا در زائل نمودن هرچه بیش تر آن اقدام کرد. حیاء که از مختصات انسان است به معنی خودداری و حفظ نفس از زشتی هاست. خداوند این قوه را در انسان قرار داد تا به وسیله آن آدمی از زشتی هائیکه مقتضای شهوت است فاصله گیرد و مانند حیوانات نباشد.

حیاء مرکب از عفت و ترس است و لذا شخص با حیاء فاسق نیست و انسان فاسق نیز با حیاء نیست زیرا عفت با فسق جمع نمی شود و کم است شجاعی که با حیاء باشد و با حیایی که شجاع باشد، زیرا اجتماع ترس با شجاعت ممکن نیست و از آن جا که شجاعت با حیاء در کمتر موردی جمع می شود از اجتماع آن مدح و ستایش شده است. مدح به انقباض و گرفتگی نفس مخصوص کودکان و نوجوانان است و مدح به ترک زشتی و بدی برای همه می باشد و به اعتبار اولی می گفته اند که حیاء برای افاضل قبیح است و به اعتبار دوم گفته اند که خداوند حیاء می کند که شخص سابقه دار در اسلام را که پیر شده عذاب نماید.

اما خجالت به معنای حیرت و سرگردانی نفس که حاصل از شدت حیاء است می باشد و این در کودکان و زنان پسندیده و ممدوح است و در مورد مردان بالاتفاق مذموم و زشت است. (1)

وقاحت که به معنای لجاجت نفس در برخورد با زشتی ها و قبیاح است برای همه ی انسان ها زشت و ناپسند است زیرا در واقع نتیجه اش فاصله گرفتن از انسانیت است. اما راه دستیابی به حیاء در هنگام برخورد با زشتی ها و میل به آن ها این است که شخص بزرگی را در نفس خود تصور کند چون انسان معمولاً از حیوان و نیز از بچه هایی که ممیز نیستند حیاء ندارد و از عالم بیش از

ص: 50

جاهل و از جمعیت بیشتر از یک نفر حیاء دارد. کسانی که انسان از آن ها حیاء دارد سه گروهند: اول انسان ها که بیش ترین حیاء را از آنان دارد. دوم نفس آدمی و سوم خداوند متعال هر آن کس که از مردم حیاء کند اما از نفس خود حیاء نداشته باشد نفس او در نزد خودش پست تر از دیگران است کسی که از انسان ها و از نفس خود حیاء کند ولی از خداوند حیاء ننماید معلوم است که نسبت به خداوند معرفت و شناخت ندارد، زیرا انسان از آن چه که آن را بزرگ شمارد و می داند که او را می بیند حتی نجوای او را می شنود

و حیاء دارد و کسی که خدا را نمی شناسد چگونه او را بزرگ می دارد و نسبت به اطلاع و احاطه او بر انسان آگاه است؟ و در ضمن این سخن که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

از خدا حیاء کنید آن گونه که حق حیاء است.⁽¹⁾

هشدار بر این است که انسان اگر بداند که خدایش ناظر اوست از ارتکاب گناه حیاء می کند.

به طور کلی عوامل متعددی در جنبه های مختلف فردی، اجتماعی، خانوادگی در به وجود آمدن عفت مؤثرند که به طور خلاصه و مجمل عبارتند از:

1 - ایمان و یاد خدا: ایمان به خدا و زندگی پس از مرگ و هم چنین یاد خدا در موقعیت های وسوسه انگیز از مهم ترین و قوی ترین عوامل پیش گیری از شهوات و هوس هاست.⁽²⁾ نماز و عبادت هم به عنوان مصداقی از یاد خدا مطرح است که در قرآن صراحتاً عامل بازدارنده از گناه بیان شده است.⁽³⁾

2 - آگاهی و عاقبت اندیشی: یکی دیگر از زمینه های عفاف آگاهی از

ص: 51

1- بحار الانوار، مترجم سید عبدالحسین رضایی، 71/331.

2- مروارید عفاف، ص 36.

3- قرآن کریم، سوره ی عنکبوت، آیه 45.

فواید عفاف و مضرات بی‌عفتی و فکر کردن به تبعات آن است و این آگاهی، گاهی با مطالعه کتب و نشریات به دست می‌آید گاه با عبرت گرفتن از حوادث و تجربیاتی که دیگران داشته‌اند گاه با تفکر و توجه به این واقعیت که افراد بی‌عفت رسوایی در انتظارشان است بدست می‌آید.

3- کنترل فکر و نگاه از حرام و وسوسه‌های شیطانی.

4- سرگرمی مناسب و اشتغال؛ لازم است انسان از تنهایی و بیکاری دوری جوید چرا که بسیاری از فکرهای گناه‌آلود به همین دلیل به وجود می‌آیند.

5- حیاء و وجدان اخلاقی: این امر به صورت فطری در نهاد بشر ودیعه گذاشته شده و غیرت را در مردها و عفت را در زن‌ها بیدار می‌کند.

6- عزّت نفس و الگوپذیری مناسب: وقتی انسان با گوهر اصلی و ذات خویش آشنایی داشته باشد درک می‌کند که هیچ پستی با این جوهر عالی سازگار نیست. (1) در حدیثی از امام علی (علیه السلام) آمده است که فرمود:

با کسی که دارای بزرگواری و کرامت نفس باشد، هوا و هوس در نظرش خواهد مرد. (2)

7- پاک دامنی مادر و دایه و همسر.

8- مراقبت در خانواده: امروزه متأسفانه اکثر پدر و مادرها توجه و همتشان این است که فرزندانشان به سطح تحصیلی بالا برسند و شغل خوب پیدا کنند و... ولی به فکر مسائل معنوی آن‌ها نیستند حتی گاهی با دست خود بعضی زمینه‌های آلودگی را برای فرزندانشان فراهم می‌کنند مثل تهیه فیلم‌های مستهجن، ماهواره...

ص: 52

1- همان، ص 36 - 53.

2- ترجمه نهج البلاغه، قصار 449، ص 227.

بعضی نیز چنان در مراقبت افراط می کنند که فرزندان را از والدین و ارزش های دینی بیزار می سازد، اعتدال راه خوبی است. علاوه بر این والدین باید در حضور کودکان ممیز در روابط بین خود، مراقبت و هوشیار باشند تا زمینه تحریک برانگیختن حس کنجکاوی آن ها فراهم نکنند.

9- رعایت های اجتماعی: قسمتی از آن ها عبارت است از: پرهیز از شوخی با نامحرم، پرهیز از خلوت با نامحرم، پیراستن جامعه از عوامل تحریک نه حبس و نه اختلاط، طرد بی عفتان و... (1)

10- اعتلای فرهنگ حجاب و سالم سازی چهره جامعه از طریق: آموزش حجاب در مدارس، فعالیت های علمی و فرهنگی و هنری، نظارت لازم بر رسانه های جمعی و اماکن عمومی، فعالیت مؤثر قوای سه گانه، تقویت پایه های حجاب، جلوگیری از مظاهر تهاجم فرهنگی مثل فیلم ها و آرایش های مبتذل و... (2)

11- مقابله با فقر: انسانی که گرسنه است، دین و ایمان از یادش می رود و ممکن است به هر خلافتی تن در دهد.

عفت؛ حافظ حرمت و شخصیت زن:

همواره ناموس خلقت بر این استوار بوده که اشیاء ذی قیمت و پر ارج را در پوشش محکم و دست نیافتنی و به دور از چشم و دسترس هر کس و ناکس محافظت نموده است. مروارید های گران سنگ را در پوششی نفوذ ناپذیر چون صدف نگاه داری نموده.

اما سنگ های بی ارزش را به وفور در هر جا پراکنده ساخته است.

ص: 53

1- مروارید عفاف همان، صص 66-82.

2- تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، صص 112-129.

آدمیان نیز به تقلید از طبیعت و متأثر از فطرت خدادادی خویش، دارائی های خود را در جایگاهی امن و استوار و دور از دسترس اغیار، پاسداری نموده اند. همواره گوهر های پر قیمت را در جعبه ها و گاو صندوق ها و در پستوها نگاه داشته و سیب زمینی و پیاز و امثال آن را در گوشه ی اتاق رها ساخته است.

وزن مسلمان نیز آن گاه که پیکر خود را در حرم پر حرمت عفت و حجاب قرار می دهد و خویشان را از تیر نگاه های هوس آلود مردان هرزه حفظ می کند، در واقع مروارید گران سنگ

عفت و نجابت را در صدف عفت و حجاب نگاه می دارد...[\(1\)](#)

عوامل مؤثر در بوجود آمدن بی عفتی:

همان طور که بی عفتی نقطه ی مقابل عفت است، عوامل مؤثر در آن هم نقطه ی مقابل عوامل مؤثر در عفت است که عبارتند از:

1 - چشم چرانی: این عمل تا اندازه ای خطرناک است که در دستورات اسلامی حتی با ایمان ترین افراد نیز از آن نهی شده اند و برای حفظ ایمان خود باید از آن پرهیز کند.[\(2\)](#) امام علی (علیه السلام) چشم ما دام های شیطانند.[\(3\)](#)

2 - خلوت کردن با نامحرم و اختلاط زن و مرد: زن و مرد نامحرم در هر مرحله ای از صفات اخلاقی و عفاف هم که باشند در این هنگام سخت در معرض وسوسه های شیطانی قرار می گیرند.

3 - بیکاری: در بررسی های به عمل آمده، معلوم شده که ارتکاب جرائم بزرگ اغلب در زمان فراغت و بیکاری صورت گرفته است.

ص: 54

1- زیور عفاف، ص 35.

2- همان، ص 107.

3- میزان الحکمه، ج 10، ص 70.

4 - نامه های عاشقانه و نجواهای شیطانی بین نامحرمان: به بهانه ی سؤال پرسیدن، مشورت و... که ریشه در هوا و هوس دوران جوانی و غریزه جنسی دارد.(1)

5 - موسیقی مطرب و مبتذل:(2) رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را افسون زنا خوانده است. «الغناء رُقِیَةُ الزَّنا.»

6 - مسافرت به خارج از کشور: گرچه نفس مسافرت مفید است ولی با توجه به اثر پذیری سریع طبع انسان به خصوص جوانان، مسافرت به کشورهای خارجی برای بسیاری از آنان مساوی است با از دست دادن ارزش ها و غرق شدن در فساد و شیفتگی نسبت به فرهنگ بیگانه که بی عفتی را به دنبال دارد زیرا در نظام های فاسد بیگانگان، فساد ارزش محسوب می شود و عفت ضد ارزش.

7 - فقر و تنگدستی: خانواده ای که از ایمان و اصالت مذهبی ضعیف برخوردار است و تنها راه سعادت را رفاه و ارزش های مادی می داند، سریع بر اثر پائین بودن وضع زندگی به جاده انحراف کشیده می شود.

8 - ثروت و رفاه زیاد: فساد انگیزی ثروت، کلیت ندارد اما به هر حال ثروت و رفاه گاهی می تواند زمینه انحراف گردد زیرا طبع اولیه انسان، راحتی و عیش و نوش را دوست دارد و ثروت هم مقدمات این راحت طلبی ها را فراهم می کند. قرآن کریم می فرماید:

(إن الانسان لیطغى أن رءاه استغنى)(3)

به یقین انسان طغیان می کند از این که خود را بی نیاز ببیند.

ص: 55

1- مروارید عفاف، همان ص 85.

2- ترجمه بحار الانوار، مترجم سید عبد الحسین رضایی، ج 76 ص 334.

3- قرآن کریم، سوره علق، آیات 6 و 7.

9 - تجرد و عزیت: قطعاً جوانانی که ازدواج کرده اند از نظر روحی دارای تعامل بیش تری هستند و جنبه تعقل آنان بر شهوات و احساساتشان غلبه دارد.(1)

10 - بی حجابی یا بدحجابی.

11 - دور شدن از مذهب به دلایلی از قبیل: توهم تضاد بین مذهب و تجدد تبلیغات سوء مخالفان مذهب، غرق شدن در شهوات.(2)

12 - تهاجم فرهنگی از طریق:

امواج رادیویی و تلویزیونی و مطبوعات، ترویج سکولاریسم، معرفی الگوهای کاذب (فوتبالیست ها، هنرمندان ناپاک و...) اشاعه فساد و فحشاء، مخدوش کردن فرهنگ انقلابی.(3)

بنابر آن چه که در این فصل گفته شد، این برداشت حاصل می شود که احکام در همه ابعاد عفت محدودیت آور نیست بلکه مصونیت فردی و اجتماعی را به دنبال دارد و اسلام هم به مصلحت فردی و اجتماعی می اندیشد و بر آن همواره تاکید دارد. آن چه که بین همه ابعاد عفت مشترک است، این است که علاوه بر رعایت کردن عفت و دوری جستن از گناه در نگاه، کلام، حجاب و اخلاق و رفتار، باید در محدوده حلال آن نیز به مقدار ضرورت اکتفا کرد و نباید پا را فراتر گذاشت که خود مقدمه ای بر گناه می شود از طرفی باید عوامل مؤثر در عفت و بی عفتی را شناخت و نسبت به تقویت یا زائل کردن آن کوشید.

از جمله عوامل مشترک بین آن ها:

قدرت ایمان و عزّت نفس، کنترل حواس، آگاهی، رعایت محدوده ها در

ص: 56

1- جوانان در طوفان غرائز، ج 76، ص 334.

2- همان ص 108 الی 122.

3- همان، ص 127 الی 150.

روابط و حجاب، امر به معروف و نهی از منکر و ... است که بودن آن ها باعث تقویت و نبودن آن ها باعث زائل شدن عفت می شود.

و مهم تر از همه موارد این که نباید نسبت به مسأله عفت و عوامل مؤثر در آن بی تفاوت بود چرا که هم مصلحت و مفسده دنیوی و اخروی را در پی دارد و هم مصلحت و مفسده فردی و اجتماعی را.

آثار عفت دختران

1- تأثیر عفت در آزادی فکری و معنوی

واضح است که ادامه حیات بشر در گرو رعایت قوانین فردی نظیر قوانین بهداشتی و رعایت قوانین اجتماعی نظیر قوانین راهنمایی و رانندگی است. به طور طبیعی این قوانین برای انسان محدودیت هایی را ایجاد می کند.

چون مطابق این قوانین انسان نمی تواند هر چه را می خواهد در هر شرایطی و به هر صورتی اقدام کند یا هر مسیری را که می خواهد در هر شرایطی با اتومبیل خود طی کند. حال آیا می توان رعایت قوانین بهداشتی و راهنمایی و رانندگی را مغایر آزادی دانست؟ آیا می توان بی توجهی به این قوانین را آزادی نامید؟

بدون تردید هیچ کس نمی تواند رعایت این قوانین که سلامت انسان در سهولت ترافیک را به دنبال دارد مخالف آزادی بنامد. قانون الهی عفت نیز مانند بسیاری از قوانین ضروری و لازم فردی و اجتماعی دیگر است سلامت روحی و اخلاقی فرد و جامعه مشروط به رعایت آن می باشد و چون نمی توان قوانین فردی و اجتماعی را مخالف آزادی قلمداد کرد. قانون الهی عفت را نمی توان مخالف آزادی دانست.

قانون عفت دختران اگر چه نظیر قوانین دیگر به ظاهر محدودیت هایی را به

دنبال دارد، ولی در واقع آزادی فکری و معنوی افراد جامعه را تضمین می کند. زیرا با رعایت این قانون فکر و روح و روان دختران از بردگی مُد و هوا و هوس آزاد می گردد. (1)

اساساً در فرهنگ اسلامی آزادی واقعی و حقیقی مشروط به کنار گذاشتن هوا و هوس های نفسانی است.

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است:

من ترک الشهوات کان حراً؛

هر کس که شهوت ها و خواهش های نفسانی را ترک نماید حر و آزاد است. (2)

عفت دختران آزادی روح و فکر را به همراه دارد و بر عکس عدم عفت گرچه نوعی آزادی ظاهری تن و بدن است ولی بردگی فکری و روحی فرد و جامعه را موجب خواهد شد.

چون بی عفتی معمولاً با روحیه مدپرستی و رواج کال ها و بی بندوباری های جنسی و مفاسد اجتماعی همراه است و بدون تردید این امور زمینه ی سلطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بیگانگان و استعمارگران را فراهم می کند.

بنابراین بی عفتی نه تنها آزادی بلکه بردگی آفرین است و عفت نه تنها با آزادی حقیقی مخالفتی ندارد بلکه آزادی آفرین است.

2 - تأثیر عفت دختران در سلامت روحی

دخترانی که از سلامت روحی و روانی برخوردارند در خود کمبود احساس نمی کنند و در نتیجه تمایلی نیز به جلب توجه دیگران ندارند، ولی دختران که دارای عقد و حقارت هستند با نمایش زینت ها و زیبایی ها و استفاده کردن از

ص: 58

1- پرسمان حجاب، همان، صص 147 - 158.

2- کنز الفوائد، مترجم، نعمت، عبدالله، ج 1، ص 349.

لباس های رنگارنگ و جذاب در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم می کوشند تا احساس حقارت و کمبود خود را به نحوی مرتفع نمایند.

چون همان گونه که انسان زبان دارد، لباس او نیز زبان دارد و زبان لباس خسته نمی شود.

بدتر از همه لباس ها، لباس شهرت است. روان شناسان منشأ و دلیل استفاده از لباس شهرت را عقده حقارت می دانند و حاصل این که عفت نشانه سلامت روحی و بی عفتی نشانه بیماری روحی احساس حقارت است.

3 - تأثیر عفت دختران در سلامت جسمی:

علاوه بر تأمین سلامت روحی و فکری، عفت در تأمین سلامت جسمانی افراد جامعه نیز نقش دارد؛ با این توضیح که عدم رعایت حجاب و پوشش مناسب معمولاً باعث تحریک جنسی افراد جامعه می گردد و تحریک جنسی نیز در بسیاری از موارد در نهایت باعث ایجاد ارتباط های جنسی غیر قانونی می شود و ارتباط جنسی نامشروع نیز باعث پیدایش بیماری های مقاربتی خطرناک مثل ایدز می گردد که امروزه از خطرناک ترین بیماری هایی است که قربانی فراوانی از انسان ها می گیرد و نسل بشر را تهدید به نابودی می کند.

4 - تأثیر عفت در تشکیل و تحکیم نهاد خانواده:

بدون تردید تشکیل خانواده مرکز عشق و امید و تحقق آرزوهای شیرین همه دختران جوان است.

جوانان تشکیل زندگی زناشویی را بر آورنده ی بسیاری از آرزوها و رویاهای خود می دانند.

از سوی دیگر خانواده مهم ترین و اساسی ترین نهاد اجتماعی جامعه انسانی است و تأثیر آن در نهادهای اجتماعی دیگر مثل نهاد آموزش و پرورش و نهاد

حکومت و سیاست غیر قابل انکار است.

بنابراین ثبات و استحکام نهاد اجتماعی خانواده، در استحکام و استواری نهادهای دیگر جامعه نیز مؤثر خواهد بود.

و تردیدی نیست که یکی از عوامل مهم در تشکیل و استحکام خانواده رعایت عفت است. چون اگر در جامعه عفت رعایت گردد جوانان با ازدواج به تشکیل خانواده تمایل پیدا می کنند.

5 - تأثیر عفت در حضور اجتماعی سالم دختران

اندام زن به ویژه اگر به آرایه ها و پیرایه ها، تزئین و آراسته گردد هیجان آور و هوس آفرین است. از سوی دیگر زنان و دختران بخش عظیمی از نیروی انسانی جامعه را تشکیل می دهد که در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می تواند نقش آفرینی عظیمی داشته باشد. اسلام با تدبیر حکیمانه قانون عفت، در حقیقت جواز حضور دختران در اجتماع را صادر نموده است. و با دستورات جامع راه گشا در این زمینه مؤثر بوده است.⁽¹⁾

6 - تأثیر عفت در رعایت احترام دختران

زن مسلمان تجسم حرمت و عفت در جامعه است. حفظ عفت به نوعی باعث احترام گذاردن به دختران و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه های شهواتی و حیوانی است. اگر زن حدود شرعی حجاب را رعایت نکند بیمار دلان به او طمع ورزیده، با نگاه آلوده خود حریم او را می شکنند و آن شخصیتی که باید سالم بماند و نسل سالم تربیت کند تحت تأثیر آن نگاه ما به طرف شهوات سوق داده می شود و در نتیجه هویت واقعی خود را فراموش و در چنگال

ص: 60

بیماردلان و هوس بازان گرفتار می آید و این بی احترامی به او و شخصیت او محسوب می شود.

7 - تأثیر عفت در تعدیل غریزه خودنمایی دختران

میل به خودنمایی و جلوه گری به دلیل مصالحتی در سرشت بانوان نهاده شده است و این میل همانند همه ی امیال غریزی انسان باید در مسیر درست و هدفی والا تعدیل و به کار گرفته شود. اگر از این میل غریزی به طور صحیح استفاده گردد ثمرات مطلوبی در پی خواهد داشت و در جهت کمال انسانی مفید واقع می گردد، اما اگر از این گرایش فطری بدون رعایت حد و مرز استفاده گردد به گونه ای که بدون تعدیل آن، میل به خود نمایی و جلوه گری همواره و در همه جا نمود و ظهور داشته باشد فساد آفرین خواهد بود و در ایجاد زمینه های ناهنجاری های جنسی در جامعه تأثیر خواهد گذاشت.

آثار بی عفتی دختران

اشاره

از آن جایی که بی عفتی در دنیا و آخرت دارای آثار سوء و منفی زیادی است، می توان آثار آن را به دو دسته کلی آثار دنیوی و اخروی تقسیم کرد. در این تحقیق آثار دنیوی به آثار فردی و خانوادگی و اجتماعی پرداخته که آثار فردی نیز شامل اختلالات روانی، افت تحصیلی، خشونت و آزار جنسی و زمینه ساز رذایل اخلاقی و سقوط ارزش دختران می باشد. که در ذیل به برخی از آن ها می پردازیم.

از جمله آثار دنیوی عبارتند از:

الف - اختلالات روانی:

یکی از آثار فردی و پیامدهای سوء و منفی بی عفتی دختران ایجاد اختلالات

روانی است برخی از دختران با سوء استفاده از گزینه خودنمایی برای جلب رضایت دیگران در محیط های اجتماعی به خود آرایی و جلوه گری اقدام می کنند و در نتیجه فکر و اندیشه خود را خواسته یا ناخواسته در بعد تمایلات و تخیلات پوچ محدودی می کنند در نتیجه در جامعه فشارهای روحی جبران ناپذیری بر روان و اعصاب و شخصیت او وارد می سازد.

ب - افت تحصیلی و آموزشی در مراکز علمی؛

یکی دیگر از آثار و پیامدهای سوء بی عفتی دختران افت تحصیلی و آموزشی در میان دانش آموزان و دانشجویان دختر است. (1)

ج - خشونت و آزار جنسی:

یکی از آثار سوء بی عفتی دختران، آزار و اذیت توسط مردان و جوانان ولگرد و لایابالی است گویا این قبیل مردان پوشش ناقص و بد برخی دختران و زنان را به منزله چراغ سبزی می دانند که نشان دهنده تمایل زنان و دختران به کارهای خلاف و گناه آلود است و همین نکته ذهنی و روانی از نظر آنان مجوز اذیت و آزار زنان و دختران می باشد.

د - زمینه ساز رذایل اخلاقی و سقوط ارزش دختران:

اشاره

بی عفتی منشأ برخی از رذایل اخلاقی و در نتیجه باعث سقوط دختران از نظام و منزلت الهی و انسانی خویش می گردد اگر دختری نقیصه عفت را داشته باشد توجه مردان به او جنبه شهوانی پیدا می کند و در نتیجه ارزش های حقیقی او فراموش می گردد.

ص: 62

1- آثار خانوادگی بی عفتی دختران:

الف - بی علائقی به ازدواج: در جامعه ای که بی عفتی و مسائل جنسی رواج دارد بسیاری از لذت های جنسی که عامل گرایش به ازدواج است به راحتی در دسترس افراد می گیرد و روشن است که این امر میزان علاقه و گرایش افراد مخصوصاً جوانان به ازدواج را کاهش و بلکه از بین می برد.

ب - افزایش مقدار طلاق: بدون تردید غریزه جنسی یکی از علل مهم انجام ازدواج و تشکیل خانواده است، اما پس از ازدواج هر چه می گذرد نقش غریزه جنسی در حفظ و بقای خانواده کمتر می شود و به جای آن نقش تفاهم و وفاداری در بقای خانواده بیشتر می شود. یکی از آثار سوء بی عفتی دختران تحت تأثیر گذاردن مردان و بی رغبتی و کم میلی نسبت به خانواده و تحقق امر طلاق که معضل بد اجتماعی است می باشد.

2 - آثار اجتماعی بی عفتی دختران:

الف - زمینه سازی برای نگاه آلوده و سلب آرامش روحی: حضور دختران به صورت بد حجاب با چهره های آرایش کرده و لباس های کوتاه و نازک و رنگارنگ در جامعه، آتش هوس را در درون مردان مخصوصاً جوانانی که ازدواج نکرده اند شعله ور می گرداند و باعث ترویج نگاه آلوده و سلب آرامش روحی جامعه می گردد.

ب - تزلزل بهره وری در فعالیت های اجتماعی و زمینه سازی رخدادهای مخاطره آمیز: بی عفتی دختران در اجتماع از یک سو نیروی کارآیی مردان را دچار توقف و رکود می سازد

و از سوی دیگر مانع پرداختن جدی زن به کار و فعالیت های اجتماعی می شود.

3- آثار اخروی بی عفتی دختران:

در بینش اسلامی اعمال انسان علاوه بر آثار دنیوی دارای آثار اخروی نیز می باشد.

در برخی احادیث در مورد آن وعده عذاب های مختلف داده شده که می توان آن عذاب ها را آثار اخروی بی عفتی نامید.

در قسمت آیات و روایات به برخی از آن ها هم چون آتش دوزخ، قهر پروردگار، بی برکتی و... که پرداخته شد.

گفتار دوم: ابعاد عفت

اشاره

دختران در فرهنگ اسلامی از ویژگی و جایگاه خاصی برخوردارند. لازم است برای حفظ این جایگاه یک دسته از اصول و ارزش ها و مراقبت ها رعایت شود تا بدین وسیله بتوانند پاسدار ارزش های واقعی خود باشند. البته نقش مادران جایگاه مخصوص به خود دارد چرا که اخلاق اعضای جامعه به اخلاق مادران وابسته است. در اثر فعالیت اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی مادر، تمدنی انسانی و معنوی یا تصنعی و ماشینی پدید می آید. خشونت ها، سبکسری ها و لجباجت ها تا حد و حدود زیادی بستگی به طرز تفکر مادر دارد. جامعه ی بی تفاوت یا حساس، تمدنی ویران گر یا آباد کننده بستگی به افرادی دارد که در دامن مادران، رنگ و خوی گرفته اند.

صلح ها و جنگ ها غالباً از درون خانواده به ویژه از مادران پایه گذاری می شود.

پس بر تمام دختران جوانی که دوست دارند در پرتو احکام اسلامی دارای زندگی شرافت مندانه ای باشند و مادران نمونه برای آینده اجتماع باشند، می بایست مکارم الخلاقی - الهی را رعایت کنند - چرا که همین دختران هستند که مادران فردا می شوند و همین مادران، فرزندانی را تربیت می کنند

که جامعه را می سازند یا به فرموده امام خمینی 1:

از دامن زن مرد به معراج می رود. (1)

لازم است در توجه به جمال و آراستن خود حد اعتدال را در پیش گیرند و سخت مواظب باشند که با دست خویش راه های سقوط و هلاکت خود را فراهم نیاورند. با ذکر این مقدمه و بررسی در مضامین دینی و ابعاد مختلف عفاف و گستره آن در شئون فردی و اجتماعی که با استفاده از قرآن و سنت می باشد می توان به این مهم «نقش مادران در عفاف دختران» دست یافت.

یکی از معانی عفت این است که «حالت نفسانی است که از غلبه شهوت باز دارد پس باید عقیف به معنای خود نگه دار و با مناعت باشد.» (2)

در این تعریف نکاتی وجود دارد که عبارتند از:

1 - عفت اکتسابی است و باید از طریق متفاوت مثل مطالعه، دعا، الگو گیری از مادر و دیگر افراد عقیف آن را کسب کرد.

2 - عفت حالت است نه ملکه؛ که پس از حصول آن، در معرض خطر قرار نگیرد.

3 - در افراد عقیف، نوعی بازدارندگی نسبت به غلبه شهوت وجود دارد و هرگز عفاف به معنی سرکوبی غرایز نیست.

4 - عفاف حالت درونی است که مربوط به نفس آدمی می باشد. (3)

با روشن تر شدن ماهیت عفت بهتر می توان، ابعاد آن را درک کرد. در این جا عفت در چهار بعد: نگاه، کلام، حجاب و پوشش بررسی می شود.

ص: 65

1- دختران ریحانه اند، ص 11.

2- قاموس قرآن، ج 5، ص 19.

3- عطر عفاف، ص 22 - 23.

ارزش و اهمیت این موضوع از این بابت است که چشم، دروازه دل است. آن چه از این دریچه وارد وجود شخص می شود، گاهی او را به سر منزل سعادت و گاه به ورطه سقوط و ذلت می کشاند. دل، آن چه را که از طریق چشم می بیند و حس می کند، مورد تحلیل قرار داده و زمینه را برای انفعال در برابر شرایط موجود و در پی آن حرکت برای کسب و تصرف آن شرایط و اقماع آن فراهم می نماید و این سخن درستی است «که هر چه دیده بیند دل کند یاد.» حال فرق نمی کند به صواب بوده و مجاز و یا ناصواب و غیر مجاز. (1) چشم، سکه دورویی است که می تواند دروازه بهشت بوده و یا کلید جهنم باشد. عفت چشم از جمله گونه های بسیار مهم و تأثیرگذاری است که در سرنوشت انسان دخالت مستقیم دارد. چه بسا انسانی با یک نگاه متحول گشته و با فرشتگان و آسمانیان پیوند بخورد و فردی دیگر با نگاهی شعله های سرکش آتش جهنم را بر خود روا بدارد. با این مضامین و گفتار مادران باید دقت لازم داشته باشند چشمی که به آیه های نورانی قرآن کریم می نگرد، چشمی که برای خدا و به خاطر خوف از او و امید به رحمت او در خلوت شب اشک می ریزد، دیدگانی که با نگاه مهر و محبت و سرشار از عاطفه، گره های کور زندگی دیگران را باز کرده و یا از طریق گوناگون در پی جلب رضایت خداست، چشمانی که در فراق صاحب عصر و زمان، مهدی فاطمه (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عزای اهل بیت عصمت و طهارت (گریان است، پیوندی معنوی با ملکوتیان داشته و علاوه بر آن باعث شده این جاذبه و حرارت از نگاه تیز فرزندان و علی الخصوص دختران که مبحث ما است دور نماند. (2)

ص: 66

1- فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان،

2- پیامبر اعظم و سائل خانواده، ص 118.

اسلام برای سلامتی و پاکی جامعه، علاوه بر این که پوشش را واجب و حدود روابط را مشخص می نماید، مردان و زنان را موظف می کند تا مراقب چشم ها و نگاه های خود باشند. انسان از روی غریزه به جنس مخالف گرایش دارد و حواس او نقش به سزائی در تحریک این غریزه ایفا می کنند. اما هیچ کدام به حساسیت چشم نمی رسند چرا که هم زمینه انحراف در این حس، فراوان است و هم موانع کمتری دارد. (1)

اگر ملتی بخواهد اجتماع سالمی داشته باشد، باید چشمان خود را در اختیار عقل و دین قرار دهد و بقای سلامتی جامعه و استحکام کانون خانواده را هرگز فدای لذات زودگذر نکند. (2) چرا که نگاه موجب مشغله فکری و ذهنی می شود و بعد از آن در واقع، چشم، فکر را و فکر هم، دیگر جوارح و اعضای آدمی را فرا می خواند. (3)

این نگاه فقط مربوط به دیدن مستقیم نامحرم نیست، بلکه حتی نگاه کردن به فیلم ها، عکس های مبتذل که از رسانه های مختلف پخش می شود، همین نتیجه را دارد. بخاطر همین مسائل است که اسلام برای نگاه احکام و حدودی را وضع کرده. تا جامعه اسلامی بدون این که تحت فشار قرار گیرد از گزند ناهنجاری های ناشی از این حس مصونیت یابد.

شایان ذکر است که همین مطالب در آیات سوره ی مبارکه ی نور، فصل دوم، مورد بررسی قرار گرفته است.

دین مبین اسلام به همه ابعاد و مصالح، چه فردی و چه اجتماعی توجه خاص دارد. که احکام نگاه از دیدگاه مراجع عظام تقلید و سؤالات مخاطبین

ص: 67

1- حریم عفاف، ص 122.

2- حریم عفاف، ص 123.

3- عطر عفاف، ص 183.

در این باب نشان از توجه عمومی به این باب دارد که در بحث حجابگنجانیده ایم. به این احکام ابتدا با وسعت بیش تری در مورد مردان نسبت به زنان تشریح شده و سپس برای زنان در قالب چارچوبی مشخص شده است. نگاه به بدن و دست و صورت زنان مسلمان و غیر مسلمان نگاه به زیور آلات زنان، نگاه به زن در حال خواستگاری، نگاه به عکس و فیلم زنان بدون حجاب و یا ظهور و میکس آن ها نگاه به برنامه های ماهواره و نگاه به اینترنت و... از مصادیق این حکم الهی هستند.⁽¹⁾

بنابر فتوای فقها نگاه کردن مرد به زن حرام است و نگاه به صورت و دست زنان (بدون زینت) در صورتی که به قصد لذت باشد حرام بوده و اگر بدون قصد لذت باشد اشکالی ندارد.⁽²⁾ برخی نیز افزون بر قصد لذت و شهوت، ترس از وقوع در حرام را نیز مطرح کرده و در این صورت حرام می دانند.⁽³⁾

عفت از بعد کلام

پس از نگاه، ارتباط کلامی به عنوان دومین ابزار ارتباطات انسانی مطرح می شود زیرا پیام، احساسات و مراد افراد از طریق کلام انتقال می یابد.⁽⁴⁾ همان طور که همه می دانند زبان می تواند منشأ خیلی از برکات باشد، به همان مقدار هم می تواند منشأ خیلی مفاسد و حتی گناهان کبیره باشد. چنان چه در سوره ی حجرات منع هایی شده که هم شامل کلام و هم غیر کلام می شود که به ترتیب عبارتند از: نهی از مسخره کردن، عیب جوئی، تنابز

ص: 68

-
- 1- حریم عفاف، ص 123.
 - 2- عطر عفاف، ص 184.
 - 3- عطر عفاف، ص 184.
 - 4- عطر عفاف، ص 184.

به القاب گمان بد، تجس و غیبت. (1) این نهی ها فقط در دو آیه 11 و 12 صورت گرفته است که نشان از جامع بودن کلام خداوند است. در قرآن کریم درباره «قول» نیز آیات زیادی آمده است که حکم سخن گفتن در مواقع مختلف بیان می کند به عنوان مثال در سوره ی نساء درباره ی اولی القربی و یتیمان و مساکین آمده؛ «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا...» که دو نکته دارد: 1 - احسان همراه با ادب و بدون منت - حسن قولی همراه با حسن عملی - ارزش دارد.

2 - اگرچه به مردم نمی توان احسان کرد ولی با همه مردم می توان خوب حرف زد. (2)

گستره فعالیت های زنان در جامعه کنونی، اهمیت بحث در این موضوع را روشن می کند و احکامی که ما از منابع اسلامی در این باره به دست می آوریم، همه و همه بیان گر توجه دقیق و موشکافانه اسلام نسبت به سلامت جامعه و فرد می باشد، قرآن به انسان دستور داد، که به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند:

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (3)

جمله: «فلا تخضعن بالقول» اشاره به کیفیت سخن گفتن دارد، یعنی به هنگام سخن گفتن جدی، خشک و به طور معمولی سخن بگویید. جمله ی: «قلن قولا معروفا» اشاره به محتوای سخن گفتن دارد، یعنی باید به صورت شایسته ای که همراه با رضایت خدای متعال و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و همراه با حق و عدالت است، سخن گفت. البته (قول معروف) معنی وسیعی دارد و هرگونه

ص: 69

1- برگزیده تفسیر نمونه، ج 4، ص 502 - 503.

2- تفسیر نور، ج 1، ص 183

3- احزاب، 32.

گفتار باطل و بیهوده و گناه آلود و مخالف حق را نفی می کنند. (1) بنابراین از نظر قرآن هرگونه ناز و غمزه در کلام با اداء و اطوار سخن گفتن، تغییر صدا که افراد شهوت ران را به فکر گناه می افکند و هرگونه سخن باطل و غیر حقی مردود است.

از وظایف دیگر بانوان، لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم است؛ قرآن کریم در این باره می فرماید:

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»

{با مردان} با ناز و نرمی و لحن هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دل در شما طمع کند و سخن نیک و شایسته ای که عقل و وحی آن را به رسمیت شناخته است بگوید. (2)

ابتدای این آیه اشاره به کیفیت سخن گفتن و حرمت صحبت کردن با ناز و عشوه و کج کردن زبان دارد و در انتهای آن مربوط به محتوای سخن است که باید شایسته و مورد رضایت خداوند متعال و پسند عقل سلیم باشد. خلاصه باید کیفیت صحبت و محتوای سخن، عقیفانه و خدایسندانه باشد؛ عادی و معمولی صحبت کنید و سخن حق و خوب نیز بگویند و از هرگونه سخنان غیر ضروری و بیهوده، باطل و مخالف شرع و شهوت انگیز و گناه آلود اجتناب کنید، که رعایت این امر موجب حفظ شخصیت و امنیت جسمی، جنسی و عرضی شما می شود. مراد از بیمار دل و طمع او: «فیطمع الذی فی قلبه مرض» کسی است که در اثر فقدان یا ضعف ایمان از سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی و غریزی برخوردار نمی باشد

و نمایش جاذبه های زنانه و صحبت و سخنان هوس انگیز زنان غیر وزین، او را به فکر گناه، و طمع فحشاء

ص: 70

1- تفسیر نمونه، ج 17، ص 289.

2- احزاب، ص 32.

گرچه آیه ی فوق و آیه ی بعد از آن که مربوط به حرمت خودآرایی و خودنمایی می باشد و این عمل زشت را جاهلانه و هم چون جاهلیت قدیم قبل از ظهور اسلام می شمارد، خطاب به زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، امام همان گونه که مفسران عالی قدر فرموده اند، دستورهایی که در این دو آیه آمده عمومیت دارد و شامل همه زنان می شود؛ چنان که تأمل و دقت در این آیات و ویژگی های مشترک زنان این مدعا را اثبات می کند؛ زیرا نرمش و خضوع در صحبت کردن و خود نمایی دو خصیصه ای است که مشترک بین تمامی زنان است و باید در پرتو ایمان و عفت، کنترل و تعدیل شود و زنان باید از استفاده از این دو خصلت زنانه در برابر نامحرمان و افراد جامعه پرهیز نمایند، تا امنیت آنان در برابر بیمار دلان هوس ران محفوظ و قلوب و افکار مردان از تباهی و انحراف سالم بماند؛ چنان که نیک و معروف بودن محتوای سخن نیز مورد نیاز همه زنان می باشد و اختصاص به زنان آن حضرت ندارد.

علاوه بر این که در آیه ی بعدی به دنبال نهی از خودنمایی در جامعه، امر به اقامه نماز و پرداخت زکات و اطاعت از خداوند متعال و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شده است. این دستورهای سه گانه با توجه به این که تکالیف عمومی است، نشانه آن است که وظایف فوق اختصاصی به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ندارد و برای عموم زنان است و اگر زنان حضرت در این آیات مورد خطاب قرار گرفته اند، به عنوان تأکید بیش تر برای آنان در رعایت این دستورهای الهی است؛ به همین جهت در صدر این آیات به آنان می فرماید:

شما همانند یکی از زنان عادی نیستید، در صورتی که تقوا پیشه کنید. (1)

این تأکید، بیش تر نسبت به همسران حضرت به خاطر جنبه ی الگویی

آنان برای زنان دیگر است، زیرا آن‌ها به دلیل انتساب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و قرار گرفتن در کانون وحی، باید از یک سو حرمت آیات الهی و آن حضرت را رعایت کنند و از سوی دیگر الگو و سرشت خوبی برای زنان باشند، مانند این که به دانشمندان و علما سفارش می‌شود که مواظب باشید عملی که مورد رضایت خداوند متعال نیست از شما صادر نشود؛ این توصیه بدان معنا نیست که عمل غیر خدا پسندانه برای دیگران جایز است؛ بلکه مقصود این است که علماء از یک سو به خاطر ارتباط بیش تر با آیات قرآن و روایات امامان معصوم (علیه السلام) و از سوی دیگر جنبه ی الگویی و هدایت گری آنان برای مردم، باید به مراتب بیش تر از سایرین، مواظب اعمال و رفتار خویش باشند. ضمناً از «فیصلمه الذی...» استفاده می‌شود که منطق نیرومند اسلام این است که هر رفتاری از زنان از جمله بدحجابی و خودنمایی که بذر شهوت و طمع را در دل های مردم می‌رویاند ممنوع و حرام است.⁽¹⁾

عفت از بعد پوششی و حجاب

یکی از پر دامنه ترین موضوعاتی که در دنیای امروز راجع به زن و حیات اجتماعی او مطرح است موضوع ستر یا حجاب زنان می‌باشد و این مسئله ای است که بحث های موافق و مخالف بسیاری را در جوامع غرب و شرق برانگیخته است.

مخالفان پوشش برای این که طرفداران و مسلمانان مذهب را به انزوا بکشانند و در نتیجه دست خود را در تجاوز به حریم عفت زنان باز گذارند، وسوسه ها و شبهاتی را از قبیل: حجاب مانع آزادی کار و نشانه عقب ماندگی و... است را در ذهن زنان القاء کرده و خواستار آن می‌باشند که خود زنان علیه شرایط

ص: 72

موجود، احکام فقهی و الهی دین به قیام برخیزند. مسئله پوشش و حفظ عفاف خاص دنیای اسلام و حتی سایر ادیان نیست. بر اساس زمینه فطری، حتی جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم آن را مورد توجه خود قرار داده اند.

و نوشته اند: «زن های تاتار از لحاظ عصمت، وقار و وظیفه شناسی در برابر شوهران نظیر ندارند. پاک دامنی و حجب و حیای آن ها قابل تحسین است و بی احترامی به عفت عمومی گناهی بزرگ است. (1)

از آن جا که موضوع حجاب زن و پوشش جسم و مستور نمودن زینت های وی اهمیت بسیاری دارد چند دلیل برای وجوب پوشش و حجاب عفیفانه و حرمت نمایاندن بعضی از اندام و زینت های محرک زنان در این جا به اختصار بیان می شود:

الف - ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها؛ زنان نباید جاذبه ها و زینت های طبیعی و مصنوعی خود را آشکار سازند مگر آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است، مقصود از زینت در مستثانیه «زینتهن» به قرینه مقابله در استثنا «ما ظهر منها» زینت های پنهان است، آن زینت هایی که بر حسب طبیعت و فطرت سالم، پنهان می باشد و زن آن ها را می پوشاند که شامل زینت طبیعی، {اندام و سر و گردن و سینه و موی او} و زینت های مصنوعی تحریک آمیز (در صورتی که روی بدن او باشد نظیر لباس های زینتی و رنگارنگ) علاوه بر این که وقتی زینت های مصنوعی نباید نمایان شود، محل زینت به طریق اولی باید مستور و پنهان نگه داشته شود. بنابراین نهی از آشکار کردن زینت، شدت تأکید قرآن به رعایت عفاف و تحقق تربیت عفیفان است. و اما استثنای «الا ما ظهر منها» جز آن چه طبیعتاً آشکار است و پوشاندن آن برای زن دشوار بوده و غالباً توأم

ص: 73

با مشکلات و محدودیت هایی در فعالیت زن می باشد که بر اساس روایات، (1) گردی صورت و دو دست تا مچ می باشد؛ در صورتی که از هر نوع زینت و آرایشی که توجه مردان و جوانان را جلب می کند و موجب مشتعل شدن غریزه آنان می شود، خالی باشد. (2) بنابراین مقتضای نهی در آیه این است که خودنمایی زن و آشکار کردن زینت های شهوت آفرین و بعضی از اندام و مو و پوشیدن لباس ها و روسری های زینتی و رنگارنگ و پوشش های بدن نما حرام می باشد و مخالف فرمان الهی است که مستحق عقوبت و عذاب می گردد.

ب - و لیضر بن یخمر هن من علی جیوبهن: زنان باید خمارها و سرپوش های خود را بر روی سینه انداخته و حائل قرار دهند «خمر» جمع خمار به معنای پوششی است که زنان سر و موی خود را با آن می پوشانند، و «جیوب» جمع جیب به معنای گریبان و سینه است. آن چه از این کلام به دست می آید مضافاً بر نقل تواریخ و شأن نزول آیه ی مربوط به پرهیز از چشم چرانی و عفت در نگاه؛ (3) این است که زنان عرب قبل از نزول این آیه، معمولاً لباس هایی می پوشیدند که یقه ی پیراهن و گریبان هایشان باز بود؛ به طوری که گردن و کمی از سینه ی آنان نمایان می شد و از طرفی دامنه ی پوشش هایی را که با آن، سر و موی خود را می پوشانند نیز به شانه یا پشت سر می انداختند، به طوری که گوش ها و بنا گوش ها و گوشواره ها آشکار می شد، لذا آیه مورد بحث نازل شد که زنان باید پوشش های سر خود را از دو طرف روی گریبان و سینه ی خود بی فکنند تا تمام قسمت های مذکور که نمایان شده پوشیده گردد و به قول ابن عباس، صحابی بزرگ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در تفسیر آیه:

ص: 74

1- آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، ص 299 - 300.

2- ترجمه تفسیر المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، ج 15، ص 152.

3- تفسیر نمونه، ج 14، صص 435 الی 438.

زنان باید مو و سینه و دور گردن و زیر گلوئی خود را بپوشانند. (1)

پوشش می تواند این حکم الهی را جامه ی عمل بپوشاند گذشته از چادر که حجاب برتر است حداقل پوشش، چارقد یا روسری بلند و ساده و یا مقنعه باشد، تا علاوه بر پوشاندن کامل سر و موها، زیر چانه و گوش ها و دور گردن و سینه را نیز کلاً بپوشاند. اما روسری های کوتاهی که بعضی از این مواضع را کاملاً نمی پوشاند یا آن ها را در موقع چرخش سر و صورت به سمت راست یا چپ و یا با وزش باد و غیره نمایان می سازد، نمی تواند پوشش شرعی و حجاب مورد سفارش آفریدگار عالم را محقق سازد؛ ضمن این که معمولاً این روسری ها رنگارنگ و زینتی است و از مصداق های آشکار کردن زینت در برابر نامحرمان در جامعه بوده و حرام و گناه می باشد؛ از این رو این گونه پوشش ها چیزی جز فریب دادن خویشان و آراستگی بیش تر و سست کردن پایه های اعتقادی و اخلاقی جوانان و قربانی شدن قوانین اسلام و فساد در جامعه نیست. بنابراین این بخش آیه همانند جمله ی قبل علاوه بر بیان وجوب حجاب، حدود پوشش و حجاب زنان را مشخص می نماید که تمام اندام و سینه و سر و گردن و موی خویش در برابر مردان نامحرم بپوشانند و از بی حجابی و خودنمایی در جامعه پرهیز نمایند. (2)

ج - ولاییدین زینتهن الا لبعولتهن او... زنان نباید جاذبه ها و زینت های خود را آشکار سازند جز برای شوهران خود... که دوازده مورد از محارم نسبی و سببی و غیر این ها را ذکر می فرماید:

در این کلام حکیمانه ی الهی، باز هم موضوع حجاب و حرمت خود آرای

ص: 75

1- ترجمة تفسیر مجمع البیان، مترجمان میرباقری، سیدابراهیم و دیگران، ج 17، ص 127.

2- آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، ص 300.

و خودنمایی زنان مورد تأکید قرار گرفته که آنان حق ندارند زینت های پنهان طبیعی بدن و سینه و سر و گردن و موی مصنوعی خویش را ظاهر کنند، مگر برای این موارد مذکور و در صورتی که قصد تهییج شهوت آنان نباشد جز شوهر یا ترس وقوع آنان در فساد و انحرافات نباشد و گرنه زن باید پوشیده تر باشد و از آرایش های غلیظ و محرک اجتناب نماید، خصوصاً در محیط خانواده در برابر فرزند و برادر تا این که کمک به معصیت و انحراف نشود. نظر کردن آنان نیز به این زنان جایز است در صورتی که بدون قصد لذت باشد و خوف فساد و انحراف برای آنان نباشد. البته مقداری که محارم زنان و مردانی که با هم محرمند غیر از زن و شوهر می توانند به بدن یک دیگر نگاه کنند قدر مسلم آن در میان مراجع عظام به اندازه ای

است که در میان محارم معمول است. (1)

یکی از ازکان سعادت بانوان که موجب بهره های مادی و معنوی بسیاری برای آنان می شود، «حجاب» است. حجاب نه تنها یک دستور اجتماعی برای حفظ عفت جامعه است بلکه یک دستور انقلابی و جهت دار برای حفظ هویت و شخصیت زنان از ابعاد گوناگون است. حجاب، زن را از نامحرمان حفظ می کند و باعث گرمی کانون خانواده و حفظ حریم آن می گردد. حضرت زهرا (علیها السلام) به مسأله حجاب بسیار توجه داشت در طول عمر، هرگز مو و بدن او را مردم نامحرم ندیده بودند و با این که در صحنه های اجتماعی حضور داشت، هیچ گاه از مرز و حریم مقدس حجاب و پوشش صحیح اسلامی خارج نشد.

جابر بن عبد الله انصاری می گوید: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خواست به خانه فاطمه (علیها السلام) برود. من هم در خدمت آن حضرت بودم وقتی به درب خانه

ص: 76

رسیدیم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست مبارک را بر درگذاشت و فرمود: السلام علیکم. حضرت زهرا (علیها السلام) جواب داد: علیک السلام یا رسول الله، آن گاه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه ورود خواست و فاطمه (علیها السلام) اجازه داد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: من همراه دارم.

فاطمه (علیها السلام) گفت: یا رسول الله من مقنعه بر سر ندارم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: با گوشه ملحفه سرت را بپوشان. حضرت زهرا (علیها السلام) سر خود را پوشاند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آیا با همراهم داخل شوم؟ فاطمه (علیها السلام) فرمود: وارد شوید. [\(1\)](#)

از این روایت استفاده می شود که هر چیز اصحاب و یاران خاص رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به منزل زهرا (علیها السلام) رفت و آمد داشتند ولی آن حضرت خود را به طور کامل از آن ها می پوشاند.

ص: 77

فصل چهارم: نقش مادران در عفاف دختران

اشاره

ص: 79

اشاره

بعد از آن که مادر، چارچوب عفت و عوامل مؤثر بر آن را شناخت نوبت به آن می رسد که آن ها را عملی سازد. نحوه عملی سازی نیز نیاز به آگاهی های لازم و صحیح دارد و گرنه بدون آن یا راه برایش مشکل می شود یا حتی به بیراهه می رود. آن چه که یک مادر در ایفاء نقش خود در این مسیر باید بداند این است که شکل گیری عفت یکدختر

نیازمند مراحل است که در نگاه اول به خود او برمی گردد و همواره باید در این راه مراقب او بود و عوامل مثبت و منفی عفت را تقویت کرد و عوامل منفی را از او دور سازد چه در محیط داخل خانواده و چه محیط بیرون؛

به این ترتیب نقش مادری خود را در زمینه عفت دخترش انجام داده است. لذا در این فصل به هر سه مرحله ی ایجاد، تقویت، زائل کردن عوامل منفی عفت پرداخته می شود.

زمینه سازی، ایجاد عفت

آن چه که قبل از هر موردی لازم است یک مادر بداند، این است که

عفت در دخترش آگاهی یابد. بعد از آن کار راحت تر می شود چون وقتی این آگاهی را پیدا کرد و عفت را به خوبی در فرزندش ایجاد کرد، تقویت عوامل مثبت و زائل کردن عوامل منفی در عفت آسان تر می شود. حال یک مادر اگر بخواهد این زمینه سازی به نحو احسن انجام گیرد باید هم قبل از تولد و هم بعد از آن، بدان اهمیت دهد.

قبل از تولد

یکی از مراحل بسیار مهم تربیت، دوران زندگی پدر و مادر قبل از ازدواج است؛ گر چه هنوز ازدواج نکرده اند اما در آینده نزدیک مسئولیت پدری و مادری را می پذیرند.

حال باید به مسائلی توجه کرد که نقش سرنوشت سازی در آینده کودکان دارند از قبیل:

1 - سیستم فکری زن و مرد (ایمان و عقیده)

2 - شخصیت فردی و اجتماعی

3 - باورهای دینی و سیاسی

4 - سمبل ها و الگوهای اجتماعی

5 - علم و آگاهی و شناخت لازم در امور تربیتی

6 - حالات روانی و اخلاقی و میزان تعهد و مسئولیت پذیری

برای تحقق معیارهای صحیح تربیت و ازدواج، از پدر و مادر باید شروع کرد و لیاقت ها و شایستگی های آن ها را باید در نظر گرفت.

ایمان و عقیده و ارزش های اخلاقی پدر و مادر در رأس همه مسائل قرار دارد. (1)

ص: 82

یکی دیگر از مراحل مقدماتی تربیت توجه و دقت مادران در هنگام بارداری است. در دوره حساس بارداری، 9 ماه رابطه مخصوص بین مادر و فرزند برقرار است. همان گونه که کودک از تنفس مادر، غذای مادر استفاده می کند، حالات روانی و اخلاقی مادر نیز در کودک اثر می گذارد. تأثیر خوبی و بدی، زشتی و زیبایی مادر از نظر جسم و روح قابل ملاحظه است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«سعادت و شقاوت هر کس از زمانی شروع می شود که در رحم مادر زندگی می کند.» (1)

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود:

«غذای کودک از آن چه می خورد و می آشامد تأمین می گردد» (2)

از این رو درباره غذای روحی و جسمی مادر سفارشات زیادی شده است که زن باردار هر غذائی نخورد و از غذای حرام یا شبهه ناک پرهیز نماید. (3)

طفل در رحم مادر تحت تأثیر دو دسته عوامل است: عوامل مادی و معنوی

عوامل مادی: منظور از آن تغذیه مادر، داروها، امراض میکروبی یا ویروسی، فشار خون مادر، سن مادر، فشار رحم، حجم رحم، نوع خون و از این قبیل است. بررسی ها نشان داده است نوع غذائی که زن در دوران حمل مصرف می کند در جنین اثر می گذارد. و بدین نظر حتی در روایات اسلامی از نوع غذای حامله نام برده اند.

سوء تغذیه مادر در دوران حمل ممکن است زخم های دیر پا در کودک ایجاد کند و حتی افراط در مصرف ادویه تند ممکن است موجب اگزما در

ص: 83

1- بحار الانوار، مترجم، جمعی از محققان، ج 5، ص 157.

2- بحار الانوار، ج 10، ص 150.

3- مسئولیت تربیت، صص 39 - 40.

طفل شود. الكل و مرفین و سایر مواد مخدر در خون و در نتیجه در جنین مؤثر است.

عوامل معنوی: منظور از آن اضطراب ها، اندیشه های صواب و ناصواب، غم ها و شادی ها، هیجانات شدید، خشم ها، بدبینی ها، فریب ها و... است که در جنین مؤثر می باشد. (1)

این چنین است که دین اسلام با برنامه ریزی های دقیق و صحیحی برای عقیف شدن یک انسان دارد حتی قبل از این که اصلاً پدر و مادری داشته باشد و هم چنین قبل از انعقاد نطفه، این باریک بینی دین ماست.

وقتی چنین دستورها بی داده شده، مسئولیت زن به عنوان یک مادر سنگین تر می شود. بنابراین عرایض فهمیده می شود دوره ی قبل از تولّد، از حساسیت بسیار زیادی برخوردار است و هم چون خشت اوّل ساختمان خواهد بود که اگر کج نهاده شود، ساختمان را دچار آسیب جدی می کند و اصلاح چنین ساختمانی، بسیار طاقت فرسا و مشقت بار است، اگر نگوئیم ناشدنی و چه بسا غیرقابل تحمّل خواهد بود؛ مثل این که فرزند کور یا لال یا... به دنیا بیاید.

(ب) نقش مادر در عفت دختر بعد از تولّد:

اشاره

مناسب تر آن است برای نتیجه گیری بهتر، این بحث در 3 قسمت مجزّا یعنی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی مورد بررسی قرار گیرد:

کودکی:

یکی از عوامل مؤثر در زمینه سازی عفت در کودکان هنگام تولّد و بعد از

ص: 84

آن، تغذیه حلال است چه در مراحل شیر دهی و چه بعد از آن.(1)

یکی دیگر از نکاتی که باید در این زمینه سازی مورد توجه قرار بگیرد، اهمیت به آموزش اخلاق در فرزندان است. از لحاظ روان شناسی ثابت شده است که رشد اخلاقی از کودکی آغاز می شود، پس باید آموزش اخلاقی از ایندوران آغاز گردد.(2) شاید دلیلش این باشد که شاکله ی وجودی انسان و اساس خصوصیات اخلاقی وی از ابتدای کودکی به خصوص در سال های اولیه عمر پایه ریزی می شود و ویژگی های اخلاقی که در این دوران تحصیل می گردد، به طور ریشه دار

و مستحکم و عمیق در روح کودک باقی مانده و بنای اصلی شخصیت و شاکله ی وجود او را تشکیل می دهد.(3)

رشد شخصیت نیز از دو سالگی به بعد ملاحظه می شود.(4)

یکی از مسائل مهم در زمینه رشد شخصیت، توجه به عزت نفس کودک است. اولیاء موظفند سجدۀ عزت نفس را که از تمایلات فطری بشر است، در نهاد فرزندان شان پرورش دهند؛ باید با آنان طوری رفتار کنند که عزیز النفس بار بیایند و از تن دادن به ذلت و خواری منجر باشند.(5) علاوه بر آن، خود نیز دارای شرافت اخلاقی باشند، از کارهای پست و سخنان موهوم بپرهیزد و عملاً شخصیت یک دیگر را محترم شمارند تا کودکان نیز این شرافت اخلاقی را یاد بگیرند که اگر این گونه نباشند، فرزندان نیز به فرومایگی عادت کرده و از ارتکاب کارهای پست ایا ندارند.(6)

ص: 85

1- سیری در مسائل خانواده، ص 79.

2- بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات، ج 1، ص 120.

3- راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، ص 33.

4- روان شناسی کودک، ص 105.

5- جوان از نظر عقل و احساسات، ج 2، ص 283 و 284.

6- همان، ج 1، ص 288.

این مسئله برای دختران به دلیل عواطف سرشار آنان اهمیت بیش تری دارد.

در تربیت دختران، به خاطر نقش حساس آن‌ها در مسئولیت‌های خانوادگی و تأثیر آن‌ها در اجتماع باید مراقبت بیشتری نمود.

از موارد مهم تربیتی دیگر در پرورش شخصیت کودکان، تکریم آن‌هاست. مقصود از تکریم کودک این است که والدین، فرزند خود را یک انسان واقعی به حساب بیاورند و او را مانند سایر انسان‌ها محترم بشمارند و او را با دید محبت بنگرند. (1)

ناگفته نماند افراط و تفریط در تکریم کودک نیز مانند بی‌احترامی به کودک باعث سوء تربیت و فساد اخلاق است و سبب می‌شود که از خود راضی و پر توقع بار بیاید. (2)

همه صحبت‌هایی که تا الآن شد اعم از عزت نفس دادن تکریم کودک، همگی به نوعی به جنبه روانی و شخصیت طفل بر می‌گردد که پشتوانه آن همان رشد اخلاقی است که در ابتداء بحث، صحبت شد. حال برای رشد اخلاقی بهتر آموزش‌هایی هم لازم است از جمله: آموزش‌های مذهبی، قبل از هر چیز باید در آن‌ها ایجاد علاقه و رغبت نسبت به مسائل دینی و مذهبی کرد و باید روش‌های متناسب با آن را به کار برد از قبیل:

1 - استفاده از عواطف کودکان برای ایجاد شور و شوق گرایش به مذهب

2 - استفاده از الگو

3 - قرار دادن کودکان در جوّ مذهبی و محیط معنوی

4 - پرسش و ایجاد سؤال در ذهن کودکان

ص: 86

1- همان، ج 1، ص 120.

2- روان‌شناس اجتماعی، ص 200.

مناسب

بعد از آشنایی با روش های ایجاد علاقه و گرایش مذهب در کودکان، نوبت به انجام عملی آموزش های مذهبی و تربیت دینی می رسد.

در این مرحله، عادت دادن کودکان نقش مهمی را ایفا می کند. این که گفته اند: «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»

اختصاص به علم ندارد بلکه باید گفته شود:

«التَّربِيَةُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ». (2)

عادت از مسائل مهمی است که از دیدگاه علم اخلاق و آموزش و پرورش مورد توجه بسیار بوده است. آن چه در علم اخلاق در تعریف خلق و ملکه و تعیین فضائل و رذائل گفته اند، به ارزش عادات بستگی کامل دارد. (3)

یکی از نکاتی که باید در آموزش های مذهبی بیش تر رعایت شود این است که؛ باید همراه با صبر و حوصله اما جدیت و قاطعیت باشد.

مسائل دینی از آن جا که با قلب و روح انسان ارتباط دارند باید روش هایی در پیش گرفت که در دل کودکان و نوجوانان راه پیدا کند و مورد محبت و دل بستگی آنان واقع شود و به ایمان قلبی تبدیل گردند.

به موازات آموزش تعالیم دینی لازم است عواطف دینی نیز در آن ها رشد و

ص: 87

1- تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج 1، صص 40 الی 52.

2- کودک و نوجوان و جوان در آثار شهید مطهری به انجمن اولیاء و مربیان، ج 3، ص 40.

3- نقش آزادی در تربیت کودکان، ص 95.

گسترش یابد. شرکت در مراسم مذهبی در پرورش عواطف دینی بسیار مؤثر است. علاوه بر آن در تربیت دینی باید توجه کرد که دین منحصر به برخی واجبات عبادی نیست، فرزندان باید به راستگویی، امانتداری، وظیفه شناسی و... نیز بهاء دهند و آن ها را وظایف دینی خود بدانند. (1)

یادگیری این آموزش ها در کودک هنگامی تسریع می شود که همه کسانی که با کودک سرو کار دارند، هماهنگ عمل کنند، این هماهنگی ابتدا، باید از درون خانواده و توسط پدر و مادر صورت گیرد. (2) زیرا در روان شناسی ثابت شده که در رشد اخلاقی که یکی از پایه های تقویت آن، همین آموزش ها و تربیت دینی است، معمولاً یک شیوه آموختن، تقلید و سرمشق گیری از بزرگ ترها، به ویژه والدین است. شیوه آموزش دیگر، آموزش های غیر مستقیم با تکیه بر داستان ها و مثل هاست. (3)

هنگام آموزش مذهبی کودک، گاهی اوقات از تشویق یا تنبیه نیز می توان استفاده کرد. تشویق یا تقویت در مواردی به کار می رود من جمله؛

1 - رفتارهای مطلوب موجود در کودک افزایش یابد.

2 - رفتارهای تازه و جدید را بیاموزد.

3 - رفتارهای نامطلوب را کاهش دهد.

تنبیه در مواردی به کار می رود که رفتاری ناپسند و بر خلاف مقررات است و مادر می خواهد آن را تضعیف و خاموش سازد این روش باید به طرز صحیح و بجا به کار رود تا موجب آرامش خاطر و تعادل کودک گردد. (4) تنبیه باعث

ص: 88

1- راهنمای پدران و مادران، ج 1، ص 128 الی 131.

2- راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، ص 35.

3- روان شناسی اجتماعی، ص 200.

4- روان شناسی اجتماعی، ص 50.

نابودی رفتار تنبیه شده نمی شود بلکه تنها اثر آن این است که رفتار نامطلوب را موقتاً واپس می زند ولی رفتار تقویت شده را نیرومند می سازد و به ایجاد رفتار تازه کمک می کند و خزانه رفتار فرد را غنی می سازد. (1) لذا باید به تقویت، اهمیت بیش تری نسبت به تنبیه داد. تردیدی نیست که سهم عمده در انجام این وظایف مهم از آن مادر است. وجود مادر پاک نهاد، مادری که سرشت پاک زنانه خود را حفظ کرده، محیط خانه را گرم و فرزندان را از لحظات آغازین زندگی، با ارزش های عاطفی و دینی آشنا می سازد. (2)

این چنین مادری فرزند دختر خود را تغذیه حلال می کند. از همان دوران کودکی به فکر رشد اخلاقی او از طریق آموزش های لازم است. مخصوصاً آموزش از طریق عمل کرد مثبت اخلاقی خودش که الگویی مناسب تر است.

در این میان فرزند دخترش را از آموزش های مذهبی به نحو صحیح نیز بهره مند می سازد تا وی رشد اخلاقی بهتری داشته باشد که نتیجه آن شکل گیری شخصیت و شاکله وجودی فرزند دلبندش براساس اخلاق است. بعد هم برای رشد شخصیت بهتر او سعی می کند با تکریم و عزت نفس دادن، زمینه پرورش هر چه بیش تر آن را فراهم کند. مادر به این طریق دختری با شخصیت اخلاقی و به تعبیر دیگر با عفت تحویل جامعه می دهد که هرگز دست خوش فرومایگی و بی عفتی قرار نخواهد گرفت انشاء الله.

نوجوانی:

نوجوانان دلی پاک و روحی پر شور دارند. آنان در حساس ترین و بحرانی ترین زندگی خود به سر می برند و نیازمند هدایت، حمایت و

ص: 89

1- همان، ص 61.

2- راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان، ص 145.

همدلی اند. نوجوان نهال نورسیده ای است که برای رشد و بالندگی به باغبانی دل سوز و روشن نیاز دارد تا او را از آفت ها و حادثه ها در امان دارد. بها دادن به نوجوان و در تربیت و ارشاد آنان کوشیدن بی گمان یکی از نشانه های آشکار رشد فرهنگی یک جامعه است.(1)

ایام کودکی در دوازده سالگی پایان می پذیرد و دوران تحوّل و انقلاب بلوغ و نوجوانی که دوره طوفانی و پرتشنجی است آغاز می شود که چهار سال طول می کشد و بعضی دانش مندان آن را ولادت جدیدیه نامیده اند.(2) این دوره مرحله انتقال از دوران کودکی به دوران بزرگ سالی است نوجوان از یک سو در حال هجرت از وابستگی های دوران کودکی است از سوی دیگر توانایی لازم را برای حل بسیاری از مسائل زندگی ندارد و همین نوسان فکری و روانی در او پریشانی و درماندگی ایجاد می کند و آرامش روحی او را می گیرد این دوره نه تنها انگیزه های غریزی و در رأس آن ها میل جنسی را در وجود نوجوان بیدار می کند بلکه گرایش های عاطفی و روانی او را نیز به ظهور می رساند.(3)

به طور کلی تحولات بلوغ دختران را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

1 - تحولات جسمانی: دگرگونی های بدنی در دوره بلوغ دختران بسیار زیاد است. هورمون هایی ترشح می شوند که باعث این تغییرات می شوند و در پی آن قاعدگی می آید.

2 - تحولات روانی: با شروع دوره بلوغ ترشح غدد و هورمون ها افزون بر اثر ظاهری در بدن اثرهایی بر روی احساس و انگیزه نوجوان می گذارد که یکی از این اثرها آشفتگی است.(4)

ص: 90

1- راهنمای پدران و مادران، ص 9.

2- جوان از نظر عقل و احساسات، همان، ج 1، ص 9.

3- راهنمای پدران و مادران، ص 18.

4- ازدواج دختران، صص 149 - 153.

بزرگ ترین حامی و پناهگاه نوجوانان در این دوران بحرانی خانواده است. اگر خانواده نتواند این وظیفه را به درستی انجام دهد فرزندان از حوزه جاذبه خانواده خارج می شوند

و در معرض جذب عوامل محیطی قرار می گیرند و راه انحراف را در پیش می گیرند اما زمانی که فرزندان با پیوندهای محکم به کانون خانواده تعلق داشته باشند و جذب محیط گرم و روابط صمیمانه خانواده خویش باشند، از بسیاری آفت ها در امان هستند گفتگو کردن با آن ها در زمینه های گوناگون بها دادن به نظر آن ها گذراندن اوقاتی به شوخی و تفریح با آن ها البته به نحو متعادل و مراعات اصول دیگر به برقراری روابط صمیمانه و بی تکلف به فرزندان کمک می کند.

این روابط صمیمانه برای فرزند دختر از اهمیت بیش تری برخوردار است مخصوصاً وقتی از طرف مادر باشد، زمانی این روابط نتیجه بهتر می دهد که والدین با طرز فکر فرزندان خود که وابسته به فصل جدید بوده و یک نسل با آن ها فاصله دارند آشنا باشند و علاقه ها، حساسیت ها افکار و احساسات آن ها را بشناسند. (1)

قال علی (علیه السلام):

و اعرف النَّاسَ بِالزَّمانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدائِهِ. (2)

یعنی داناترین مردم به مقتضیات زمان کسی است که از تحولات آن دچار آشفتگی نشود و خویشتن را نبازد.

لذا یک مادر خوب علاوه بر آگاهی به مقتضیات زمان باید ویژگی های دختر نوجوانش را نیز بشناسد که به طور خلاصه عبارتند از:

1 - به همراه رشد سریع بدن و بیداری فطرت و غریزه، عواطف و احساسات هم به وجهی دیگر بیدار می شوند و شدت و جهت دیگری پیدا می کنند.

ص: 91

1- راهنمای پدران و مادران و شیوههای برخورد با نوجوانان، صص 25 - 29.

2- غررالحکم و درالکلم، همان، ص 209.

2- دختران خیلی زود اهل محبت می شوند.

3- در این سنین علائق و رغبت ها نسبت به جنس مخالف بیدار می شود.

4- زیبایی در آن ها لذتی ایجاد می کند زیبا پسندی وی تنها در جنبه جسم نیست بلکه در جنبه کمالات هم مطرح است.

5- به همان گونه که احساس غرور و تکبر دارند، احساس شرم و حیا هم دارند و این نعمتی بزرگ برای آن ها و عامل امنیت است.

6- در دوستی ها چنان افراطی هستند که حتی سلیقه و عقیده و طرز لباس پوشیدن شان را با دوستان شان واحد می کنند و دوست دارند هویت شان را مشترک سازند. (1)

این ها گوشه ای از ویژگی های دختران نوجون بود، حال یکی از نکات بسیار مهم که در دوره نوجوانی وجود دارد و مادر در برخورد با دختر باید به آن توجه کند این است که محوری ترین انگیزش این دوره کوشش برای به دست آوردن استقلال است.

برای هدایت صحیح این حس باید مواردی را رعایت کرد از قبیل:

1- باید آزادی های مشروع و معقول آن ها را محترم شمرد و زمینه برای دستیابی آن ها به زندگی مستقل فراهم کرد.

2- در انتقاد نباید زیاده روی شود.

3- احساس شخصیت اخلاقی و عزت و کرامت نفس در او تقویت شود.

4- مشورت کردن با نوجوان که نتیجه دیگر آن یاد دادن تصمیم گیری به وی می باشد. (2)

ص: 92

1- دنیای نوجوانی دختران، انتشارات امیری، صص 63 - 67 و 82..

2- راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان، صص 30 الی 41.

خلاصه این که یک مادر با آگاهی از تحولات جسمی و روانی و ویژگی های دوران نوجوانی دخترش و مقتضیات زمان و هم چنین با روابط صمیمانه به راحتی می تواند با تکیه بر همان آموزش های مذهبی و رشد اخلاقی که در قسمت قبل توضیح داده شد. دختر نوجوانش را عقیف سازد و در این مسیر نگه دارد.

جوانی:

ایام پرشور و طوفان جوانی که گاهی به «مستی شباب» تعبیر شده، خیلی کوتاه مدت است. بعضی آن را 5 سال می دانند و می گویند دوران جوانی از 16 سالگی شروع و در 20 سالگی تمام می شود، بعضی حداکثر 10 سال و پایان آن را 25 سالگی می دانند. (1)

در این دوره نیز مادر باید با ویژگی های دختر جوانش آشنا باشد. مهم ترین ویژگی های این دوره از نظر اسلام عبارتند از:

1 - ضمیر بسیار پذیرا و مستعد: امام علی (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّمَا الْقَلْبُ الْحَدَّثُ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (2)

قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.

2 - تنش های روانی شدید به دلیل فوران انگیزه های مختلف که باعث جذب سریع او حتی به عقاید باطل می گردد. (3)

3 - گرایش به دین و معنویت

ص: 93

1- راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان، ج 1، ص 14.

2- نهج البلاغه، (صبحی صالح) همان، ص 393.

3- روان شناسی رشد 2، ص 1185.

4- سرشار از نیروی جسمی 5- برخورداری از استعدادها و توانایی های

عقلی و ادراکی زیاد

6- علم و دانش اندک

7- حساسیت و زودرنجی

8- زیبا خواهی و زیبا جویی

9- استقلال خواهی و مشارکت جویی

10- نرم دلی و انعطاف پذیری

11- آرزومندی که نمونه بارز آن تقلید کورکورانه از فرهنگ بیگانگان است. (1)

یکی دیگر از چیزهای که مادر باید بداند این است که انقلاب صنعتی روی اخلاق و آداب مردم تأثیر عمیق گذارده و جوانان بیش تر از بزرگ سالان تحت تأثیر آن قرار گرفته اند قبح اعمال زشت از دست رفته بدبختانه دنیای امروز در اکثر موارد قبول و رد مردم را میزان شناخت خوب و بد های اخلاقی و اجتماعی می داند و این خود یکی از خطرناک ترین نقاط انحراف جهان کنونی است. این فکر نادرست بر اساس اخلاق نسبی پایه گذاری شده است مقصود از نسبییت اخلاق در غرب این است که خوبی و بدی در مورد اخلاق یک امر مطلق و ثابت نیست بلکه با اختلاف شرائط محیط و تفاوت زمان و مکان نیک و بدی های اخلاقی تغییر می کند. (2) نکته قابل توجهی که اخلاق نسبی اسلام را از اخلاق نسبی دنیای امروز متمایز می سازد آن است که معیار خوب و بد اخلاق در اسلام، صلاح و فساد فردی و اجتماعی و تعالی و انحطاط بشر است و به مردم دستور داده شده در شرایط خاص، روش صحیح اخلاقی خود را به دلیل مصلحت فرد و اجتماع تغییر دهند ولی دنیای کنونی خوب و بد

ص: 94

1- بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، ص 27 الی 43.

2- بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات، ص 323-327.

اخلاق را با قبول و ردّ مردم می‌سنجد و همین اختلاف بین نسبت اخلاق اسلام و دنیای حاضر، یکی از علل اختلاف در خانواده و اجتماع است. والدین اخلاق نیک و بد را با معیار صلاح و سعادت فرزندان می‌سنجند ولی فرزندان، اخلاق نیک و بد را با ردّ و قبول دنیای امروز اندازه‌گیری می‌کنند. (1)

راه حل این است که والدین در حفظ سنن و اصولی که به مصلحت قطعی جامعه و پایه‌ی اساس سعادت بشر است، با قاطعیت ایستادگی و پافشاری کنند ولی در اموری که سعادت اجتماع و فرد وابسته به آنها نیست، بی تفاوت باشد و برای نگهداری آنها تعصب از خود نشان ندهد. (2)

یعنی در آداب و رسوم اجتماعی طبق مقتضیات زمان با فرزند خود برخورد کنند و آسان بگیرند. اما نکته‌ای که به طور کلی یک مادر در هنگام بروز این اختلافات با دختر خود در هر مقطع سنی باید به آن توجه کند این است که اگر محتوای آموزه‌های تربیتی مجموعه‌ای از سلبها ممنوعیت‌ها بدون جایگزین مناسب باشد به تدریج متری را از میدان به در می‌کند پس نباید از ارائه این جایگزین‌ها غافل بماند زیرا:

اولاً: ارائه جایگزین‌های دلنشین می‌تواند رغبت آفرین باشد.

ثانیاً: بسیاری از ممنوعیت‌های دینی لذا ید مادی است که مثلاً جوان به طور غریزی در پی آنهاست هدایت جوان باید با ارائه طریق مناسب و جایگزین برای ارضاء همراه شود.

ثالثاً: ترک عادات غلط تنش آفرین است در صورتی می‌توان از این تنش‌های طاقت‌فرسا جلوگیری کرد که عادات، جایگزین حاصل شود.

رابعاً: منع‌ها غالباً دقت آفرین است. اگر با ترک رفتارهای مضّر اوقات

ص: 95

1- بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات، ج 1، صص 333 - 340.

2- دنیا‌گریزی چرا، دین‌گرایی چه سان، ص 267.

فرد خالی شود لازم است به وجهی نیکو پر شود و گرنه فرصت اضافی ممکن است برای فرد مشکلات جدیدی بیافریند. (1)

علاوه بر جایگزین مناسب اصول دیگری نیز در اصلاح بینش ها و رفتارهای ناپسند دختر وجود دارد که به طور خلاصه عبارتند از:

1- تأمین منطقی و شروع نیازهای وی.

2- هدایت و کنترل با کم ترین محدودیت

3- ترغیب بر خویشتن داری و نظارت درونی

4- گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر به ویژه درون خانواده

5- آگاهی بخشی نسبت به رفتارهای ناصواب و پیامدهای سوء آن.

6- هشدار دادن به فکر و حيله منحرفان

7- مثبت درماني و برجسته ساختن ویژگی ها و رفتارهای پسندیده و عزت نفس دادن به او.

8- استفاده از اصل تعامل در خطاهای جزئی تا حدی که منجر به تکرار آن نشود.

9- تقدم روش های غیر مستقیم بر مستقیم. (2)

در مجموع دوران کودکی نوجوانی و جوانی مشخص شد که آگاهی مادر از ویژگی های مختص هر دوره و هم چنین آگاهی از شیوه های صحیح تربیتی و آموزشی و اصلاح رفتارها همراه با روابط صمیمانه و نیز با خبر بودن از مقتضیات زمانی و اخلاق نسبی اسلامی باعث می شود که بتواند راحت تر و با مشکلات کمتری ریشه های عفت و اخلاق را در فرزند دخترش بارور سازد

ص: 96

1- دنیا گریزی

2- بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، ص 267.

زیرا فطرت اولیه فرزند بر پایه طینتی پاک نهاده شده که نباید منحرف شود و بر عکس باید هر چه بیش تر بارو شود و به فعلیت برسد.

گفتار دوم: تقویت عوامل مثبت در عفت

اشاره

فرزندان و نونهالان امروز را باید نیکو تربیت کرد، هم از آن بابت که چنین تربیتی حق و حقوق آن هاست و هم از آن جهت که اینان مردان یا زنان فردای جامعه ما هستند، ضمن گرداندن چرخ های جامعه می بایست به پرورش نسل های بعدی پردازند. والدین می بایست فرزندان را مورد حمایت خود قرار داده و با بینش و دقت عوامل مثبت در عفت فرزندان را شناسایی کرد و موانعی که در سر راه رشد اوست از میان بردارد و عوامل پیش برنده و سازنده را در اختیارش قرار دهد.

تربیت صحیح را از همان دوران خردسالی باید بر کودک اعمال کرد و این خود مستلزم آگاهی از شیوه های درست آن است این خطاست که به گمان آگاهی از طی راه به دنبال کسب اطلاعات در این زمینه نرویم، بلکه باید در این راه آگاهانه پیش رویم در گفتار قبل 3 دوره کودکی، نوجوانی و جوانی مورد بحث و بررسی قرار داده شد. در این گفتار نیز بناست ابتدا دوره تربیتی اسلام بیان شود که توجه به آن ها برای مادر حائز اهمیت است.

فرایند تربیت در روایات به 3 مرحله تقسیم شده است:

1 - در هفت سال نخست زندگی به علت رشد عواطف کودک باید احساسات و نیازهای او را درک کرد و به او آزادی و اختیار کافی داد تا به مراحل بالاتر رشد و شناخت عقلانی برسد. بازی های کودکانه او از بهترین اسباب آموزش می باشد. پیامبر فرمود:

ص: 97

«مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَّ لَهُ»⁽¹⁾

هر کس کودک‌کی دارد باید با او کودکانه رفتار کند.

تعبیر پیامبر از این دوران چنین است طفل در هفت سال اول آقائی و سیادت دارد.⁽²⁾ هفت سال اول زندگی دوره ای است که در آن کودک از آموزش جدی و رسمی معاف است. در این دوره وی از آزادی عمل بیش تری برخوردار است و نباید تکلیف منظم و شاقی بر او تحمیل کرد؛ از این رو گفته می شود در این دوره تکلیف پذیر نیست.⁽³⁾

2 - در هفت سال دوم با در نظر گرفتن پیشرفت هایی که کودک از نظر شناختی عقلانی و جسمانی به دست آورده است آمادگی درک خوب و بد در او ایجاد شده است ولی هنوز صلاح و فساد را به درستی تشخیص نمی دهد؛ باید وظایفی را به او محول کرد تا با موضوعات و واقعیات زندگی در حد درک و توان آشنا شود.⁽⁴⁾

به تعبیر پیامبر:

کودک در هفت سال دوم بنده و فرمانبردار پدر و مادر است.⁽⁵⁾

3 - هفت سال سوم که از 15 سالگی آغاز می شود، دوران بلوغ و جوانی است که اندام و افکار فرزند به کلی دگرگون می شود و تحولات چشم گیری در جسم و جانش پدید می آید.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این دروه را با کلمه وزیر

ص: 98

1- وسائل الشیعه، همان، ص 486.

2- هدایه المله الی الاحکام الائمه، ص 195.

3- راهنمای پدران و مادران، همان، ج دوم، ص 55.

4- تقویت نظام خانواده و آسیبشناسی آن، صص 37 - 38.

5- هدایه المله الی الاحکام الائمه، ص 195.

تعبیر نموده است. (1) و با این تعبیر تشخیص طلبی و استقلال جویی جوان را مورد توجه قرار داده و از طرف دیگر به پدر و مادر فهمانده که با جوان امروز همانند بچه‌ی دیروز رفتار نکنید او وزیر و مشاور شماست. (2) از کلمه‌ی وزیر در حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) محدودیت آزادی جوانان به خوبی استفاده می‌شود، زیرا وزارت به معنای یاری و معاونت است.

فرزند جوان گرچه با وزارت، شخصیتش مورد تکریم و احترام قرار می‌گیرد ولی نباید فراموش کند او وزیر پدر و مادر است و خود آزادی و استقلال کامل ندارد و تصمیم‌نهایی در انجام امور خانواده مربوط به والدین است.

بر خلاف دنیای غرب که جوان را کاملاً آزادی می‌دادند. (3)

حال که سه مرحله تربیتی از نظر اسلام با ویژگی‌های آن تبیین شد، بهتر می‌توان فهمید که در هر مقطع سنی چگونه و چه کارهایی را برای تقویت و یا زائل کردن در زمینه عفت دختران باید انجام داد.

الف) محیط داخل خانواده:

اشاره

محیط، تمام عوامل خارجی است که از آغاز رشد، یعنی از آن لحظه‌ای که انسان به صورت نطفه‌ای در رحم قرار می‌گیرد و منعقد می‌شود، بر او اثر می‌گذارند. پس برای جنین نیز محیطی است و آن عبارت از حالات داخلی رحم از نظر حرارت و برودت و غیره است و نمو جنین تحت تأثیر این عوامل از خارج و عامل وراثت از داخل قرار دارد. به عبارت دیگر محیط عبارت از هر امری است که انسان را احاطه کرده است. بنابراین هر چه که انسان رشد

ص: 99

-
- 1- هدایه المله الی الاحکام الاثمه، ج 15، ص 203.
 - 2- بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات، ج 1، ص 41.
 - 3- همان، ص 44.

می کند دایره محیط او وسعت می یابد. عوامل محیطی بسیار است و در تقسیم اولیه می توان به دو قسم عوامل انسانی و غیرانسانی تقسیم نمود:

محیط انسانی:

منظور از محیط انسانی، کلیه افرادی هستند که فرد را مورد تربیت و احاطه قرار می دهند. از قبیل پدر، مادر، برادر و خواهر تا معلم و مدیر و رهبر و غیره... که این مبحث را تحت عنوان محیط داخل خانواده مورد بررسی قرار می دهیم. (1)

خانواده اولین نهادی است که کودک با قدم گذاشتن در آن به اولین مدرسه و مهد اصلی تربیت خویش گام می نهد. (2)

مرحله کودکی که دوران نوزادی تا دوازده، سیزده سالگی را در بر می گیرد، دوران وابستگی به خانواده مخصوصاً مادر است. (3) امروزه ما در خیابان و کوچه و بازار و گاهی در کنار یک مادر با حجاب، یک دختر بد حجاب را می بینیم، این پدیده به معنای این است که خانواده این دختر در انتقال فرهنگ حجاب به فرزندشان موفق نبوده اند.

و حال آن که خانواده به عنوان اولین محیط رشد و نمو فرزند در شکل گیری و تکوین عادات او تأثیر بسیار عمیقی دارد فرزندان نه تنها از طریق تشویق های کلامی و غیرکلامی بلکه از طریق الگوسازی نیز خود را با نقش های ایده آل خانواده هماهنگ می کنند. اگر در خانواده ای والدین، مخصوصاً مادر مقید به ارزش های اسلامی باشند و فرزندان خویش را تربیت و تشویق کنند پایه های

ص: 100

1- تعلیم و تربیت اسلامی، ص 56-58.

2- تقویت نظام خانواده و آسیبشناسی آن، ص 31.

3- سیمای کودک و نوجوان و جوان در آثار استاد مطهری، ص 21.

مستحکمی برای تربیت دختران پی ریزی می کنند.(1)

محیط خانه شامل برادران و خواهران و احیاناً دیگران نیز می شود.(2) پایه های اخلاق و سازندگی در زمینه شخصیت کودک در خانه گذارده و آغاز می گردد و در این زمینه مادر نقش اول را داراست زیرا با کودک، روابط متعددی از قبیل خشم و مهر، تنبیه و تشویق و... را دارد. کار مادر تنها ساختن شخصیت نیست بلکه ترمیم آن هم مد نظر است. برای ساختن شخصیت کودک باید او را شناخت که آن هم تعمق و دقت نیاز دارد. شناخت او از راه افعال، رفتار، بازی ها، گفتارها و روش های وی امکان پذیر است. نکته قابل توجه این است که تمام ابعاد شخصیت طفل متعادل و متوازن باید پرورش یابد جنبه های شخصیتی شامل شخصیت؛ فردی، اجتماعی، عاطفی، فرهنگی، علمی، معاشرتی، دینی، مذهبی، سیاسی و... است.(3)

بعد از ایجاد شخصیت کودک نیز نکاتی در تثبیت آن باید مورد توجه قرار گیرد که به طور مجمل عبارتند از:

1 - کنترل درونی و معنوی از طریق محافظ قرار دادن هاله های دینی و اخلاقی که یکی از راه های تثبیت شخصیت است.

2 - ایجاد عادات خوب از راه تکرار هوشیارانه عمل، نه این که قالبی و بدون اندیشه باشد.(4)

یکی از مصداق های عادات خوب، عادت کردن کودک به انجام عبادات است که دانش مندان اسلامی با به کار بردن (عبادات تمرینی) اهمیت تمرین

ص: 101

1- پرسمان حجاب، ص 129.

2- تعلیم و تربیت اسلامی، ص 59.

3- نقش مادر در تربیت، همان، صص 119-121.

4- همان، ص 123.

را در انجام دادن تکالیف دینی در خصوص اطفال خاطر نشان ساخته اند.

اگر تمرین دینی کودکان از همان دوران کودکی که بیش تر در اختیار والدین و مربیان هستند آغاز شود. نتایج بسیار درخشانی به بار می آید. (1)

که من جمله با عفت شدن فرزند دختر است.

در همه مسیر ایجاد عادت ها و صفات حسنه و تربیت صحیح دختر برای این که فردی عفیف باشد، باید با تشویق مورد توجه قرار گیرد تا این حالت عفت تقویت شود، اما نکاتی هم باید در آن رعایت شود از قبیل:

1 - باید اخلاق و رفتار نیک وی مورد ستایش قرار گیرد نه خود او.

2 - تعریف و تمجید باید به صورت جزئی و به مقدار واقع و گاه گاه باشد نه به صورت کلی و بیش از مقدار واقعی و دائمی؛ (2)

3 - از تشویق باید به عنوان کمک انگیزه در انجام کارهای شایسته استفاده کرد نه اصل انگیزه.

4 - رضایت و تشویق و پاداش خداوند باید به تدریج جایگزین رضایت و تشویق والدین شود، این معنای اخلاص است. (3)

5 - باید توجه داشت که طبق مقدار سن و درک فرد مورد تربیت و اوضاع و شرایط خاص زندگی ارزش و اهمیت کار او نوع تشویق و مقدار آن را باید انتخاب کرد. (4)

که گاهی هم از نصیحت باید استفاده کرد ولی باید دانست که:

1 - لزوم آمادگی پند گیرنده و پند دهنده از مهم ترین ارکان پند است مثلاً

ص: 102

1- نسل نخواست، ص 167.

2- اسلام تعلیم و تربیت، ج 2، صص 38-40.

3- عوامل انحراف انگیز در کودکان و نوجوانان، صص 23-24.

4- اسلام و تعلیم و تربیت، ج 2، ص 137.

نباید هیچ کدام خشم گین باشد.

2 - پند عملی: کودک و نوجوان بیش از آن که با گوش خود مطالب را فراگیرد با چشم و فهم خود آن ها را درک می کند و می آموزد. (1)

اما برای تقویت بهتر عادت های نیکو که منتهی به شخصیت عفیف کودک دختر می شود آموزش های مذهبی لازم است که در گفتار قبل نیز به عنوان عاملی برای رشد اخلاقی بهتر درباره ی آن بحث شد. این آموزش ها هم در ایجاد و هم در تقویت عفت مؤثرند پس باید مداومت بر آن ها شود. در این زمینه نیز مادر باید مواردی را رعایت کند مثلاً این که کودک از راه لمس و حواس ظاهری با جهان خارج ارتباط برقرار می کند. ایجاد ایمان در کودک نیز بر این اساس باید استوار باشد. مادر با زبان ساده می تواند به کودک تفهیم کند که خدا او را می بیند و هیچ از نظرش پنهان نیست تا نتیجه اش این شود که او آن چه که عنوان حلال دارد در زندگی خود مورد پذیرش قرار دهد و آن چه حرام و ممنوع است از زندگی طرد کند. این

آموزش ها باید از سنّی آغاز شود که هنوز ذهن او به عوامل آلوده محیط، انس نگرفته و برای درک حقایق، راستی و درستی آمادگی دارد.

این آموزش ها عملاً از طریق رفتار مادر و انجام برنامه های عبادتی او و نیز از راه ذکر داستان ها و بیان کیفیت آفرینش امکان پذیر است. یکی از نکات مهم در این آموزش ها، این است که تا قبل از حدود 7 سالگی دائماً از مهر و لطف و محبت خداوند و جنبه هایی که زائیده این احساس است بحث می شود.

از حدود 7 سالگی کوشش بر این است که خوف خداوند در دل او انداخته شود و ضرورت مجازات برای گناه گوشزد شود و به او گفته شود که خداوند همان گونه که برای خوبان، مهر و عطاء دارد برای بدان، کیفر و

ص: 103

عقوبت دارد. (1) و اما مهم ترین آموزش های دینی و مذهبی دوران نوجوانی و جوانی که در قرآن و روایات به آن اشاره شده عبارتند از:

1- باید و نبایدهای فقهی، حقوقی، واجبات و محرمات.

2- آموزش مستحبات و مکروهات همراه با رعایت اولیّت ها.

3- آموزش اصول تربیت دینی و دین مداری و پرهیز از افراط و تفریط.

4- آموزش قرآن...

5- آموزش معارف دینی که نتیجه اش خارج شدن تربیت دینی از حالت عادت انفعالی به عادت فعال و همراه با منطق و استدلال است.

6- آموزش مفاهیم اخلاقی. (2)

مسئله مهمی که در همه این موارد و آموزش ها باید مد نظر قرار گیرد، نوع برخورد با دختران است که باید بر پایه مهر و محبت و صمیمیت باشد. (3) علاوه بر این حتماً در دوران جوانی و نوجوانی توجه داشته باشد که فرزندش دوران کودکی را طی کرده و عاشق استقلال و تشخیص است و اساس روابط در این سنین مخصوصاً از 7 سال سوم از روی تکریم و احترام به شخصیت اوست. خلاصه باید با نرمی و انس موجباتی را فراهم آورد که دختر هویت شخصیتی خود را دریابد و حیات خود را به صورت انسانی سالم در آورد. به دختران باید شرایط و موقعیت شان و ارزش عفت را تفهیم کرد. (4)

یکی از مواردی که به حفظ عفت دختران کمک می کند، تربیت مسائل

ص: 104

1- نقش مادر در تربیت، ص 155 - 156.

2- بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، صص 99 الی 104.

3- دنیای نوجوانی دختران، ص 389.

4- همان، ص 391-404.

زنانه است که تعبیر به تربیت جنسی می شود.

تربیت جنسی عبارت از دادن آگاهی درباره ی مسائل زناشویی و عشق و روابط با جنس مخالف و موافق نیست، بلکه غرض دادن اطلاعات و آگاهی هایی به آنان در رابطه با مسائل زنانه است مثل قاعدگی چرا که اصل بر کنترل احساس و عواطف برای دچار شدن به بلوغ زودرس و دادن آگاهی هائی در زمینه رشد و شرایط آن هاست. (1)

این میل را می توان به آتشفشانی تشبیه کرد که از اعماق وجود انسان بر می خیزد و اگر به روشی صحیح کنترل و مهار نشود هر آن چه که بر سر راهش باشد از بین می برد. (2)

با توجه به آن چه گفته شد مادر باید در محیط درون خانواده به نقش الگویی خود و رشد همه ابعاد شخصیت کودک و اعمال روش های صحیح تربیتی و آموزش های مذهبی و اخلاقی او اهمیت دهد و محیط درون خانواده را هماهنگ سازد تا زمینه بهتر رشد اخلاقی دختر در محیط داخل فراهم شود.

(ب) محیط بیرون خانواده:

این محیط هم شامل محیط انسانی و هم غیر انسانی می باشد بر خلاف محیط خانواده که شامل افراد انسانی کردیم. محیط انسانی شامل رفاقت ها و دوستی هایی است که به صورت کلی در محیط بیرون خانواده، فرزندان و از جمله فرزند دختر با آن سر و کار دارد. محیط غیر انسانی کلیه عوامل غیر انسانی است که به گونه ای مستقیم یا غیر مستقیم در امر تربیت مؤثرند. در بین عواملی پدیده های غیر انسانی عوامل وجود دارد که نشأت یافته از انسانند

ص: 105

1- اسلام و تعلیم و تربیت، ج 2، صص 114-115.

2- راهنمای پدران و مادران، همان، ص 87.

مثل وسائل ارتباط جمعی و یا مجلات و روزنامه ها.

وسائل ارتباط جمعی: که به دو دسته جدید و قدیم قابل تقسیم اند.

از وسائل جدید می توان رادیو، تلویزیون و فیلم و سینما را نام برد که نقشی حیرت انگیز در ایجاد تحول و تغییر در فرد دارند. تلویزیون و سینما برای کودک دنیای دیگری را غیر از محیط خانواده مأنوس می کند و او را در زندگی جهت می دهند.

تحقیقات نشان داده شده که بسیاری از جرائم و جنایات و صلاح و سداء کودکان مربوط به این دو وسیله است. از وسائل قدیم می توان کتاب، روزنامه، مجله و نوشته ها را نام برد که تأثیر آن ها در برخی موارد کمتر از تأثیر وسایل جدید نیستند. (1)

اینترنت و فضای آن اگر چه در دسته جدید می گنجد لکن جداگانه نام بردیم که کنکاش خانواده و والدین در این مهم طلب می کرد.

محیط رفاقت و معاشرت: فرزندان بشر در تمام ادوار زندگی از ایام کودکی و جوانی تا روزگار کهولت و پیری همواره نیازمند رفاقت و دوستی دیگران هستند. همان طور که آدمی از داشتن رفیق موافق و دوست یک دل احساس مسرت می کند از نداشتن هم صحبت شایسته و مناسب آزرده خاطر می شود. (2) همسالان و دوستان از راه های خاصی در شکل گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش ها و نگرش های یک دیگر دخالت دارند. هر چه مقدار دوستان بیش تر و روابط آن ها به فرزند نزدیک تر باشد تأثیر آن ها بیش تر می شود. بنابراین یک مادر باید در انتخاب دوستان مناسب به فرزند خود کمک کند تا علاوه بر تأمین نیاز او به دوستی به حفظ و تقویت عفت در بیرون از خانه، یاری رسانش باشد. در این بین باید نکاتی را هم مد نظر قرار دهد:

ص: 106

1- علیم و تربیت اسلامی، ص 59.

2- تعلیم و تربیت اسلامی، ص 63.

1 - نیاز دختر را به درستی درک و تأیید کند.

2 - راه هایی برای نزدیک شدن به دختر و دوستانش فراهم کند.

3 - وقتی دوستی او با دیگران مشکل و رنج آور می شود، از او حمایت کند.

4 - با دختر خود درباره ارزش دوستی با صراحت و صداقت گفتگو کند و از دوستی های سالم و تعهد او نسبت به دوستان قدیم و جدیدش حمایت کند. (1)

از موارد دیگری که به حفظ عفت دختر در بیرون کمک می کند، آگاهی دادن به اوست. دختر باید به ارزش وجودی خود آگاه شود. او باید بداند که از دیدگاه روان شناسی اجتماعی، کانون خانواده مهم ترین وسیله تحکیم توان و سلامت اخلاق و روان جامعه است و بیش ترین نقش در حفظ رابطه ای مقدس و صمیمی و وحدت میان اعضای خانواده نیز برعهده ی زن قرار داده شده چرا که وجود زن سرشار از عواطف انسانی است و تجلّی گاه این احساس، نقش مادری است. (2) و این مسیر نیست مگر با حفظ عفت زن در مقابل هوس ها و گناهان از طرفی دیگر باید آگاهی های لازم درباره منحرفان و خطرات آن ها و چگونگی مقابله با آن ها و دوری جستن از عوامل و محیط های آلوده به گناه به وی داده شود.

لذا مادر باید نیاز به حمایت های اجتماعی و میل به دوستان و همسالان را که از نیازهای فطری فرزند دخترش است درک کند و آن ها را بر آورده سازد و تحت نظارت های مختلف خود قرار دهد. علاوه بر این که ارزش وجودی او و عفتش را برایش روشن می سازد در عین حال آگاهی های لازم را به او می دهد. به این طریق عفت دختر را در محیط بیرون از خانواده هم حفظ و هم تقویت می کند.

ص: 107

1- کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، مترجم: اکرم کرمی، صص 115-117.

2- روانشناسی زن، ص 79.

تأثیر شخصیت الگو در شکل گیری رفتار و منش کودکان و نوجوانان و تشکیل یا تثبیت شخصیت اخلاقی و اجتماعی آنان فوق العاده چشم گیر است. امام علی (علیه السلام) در ضمن حدیثی اهمیت نقش الگو را این چنین بیان می فرمایند:

پندی که هیچ گوشی آن را بیرون نمی افکند و هیچ نفعی با آن برابری نمی کند. (1)

روش یادگیری از الگو به طور غیر مستقیم و گاه از طریق مشاهده انجام می گیرد که از مؤثرترین و پایدارترین انواع یادگیری ها محسوب می شود و این یک امر طبیعی است که یکی از نیرومندترین غرایز بشری یعنی از غریزه تقلید سرچشمه می گیرد. (2)

توان تقلید یک ویژگی فطری است. برخی برای فرایند تقلید سه مرحله قائل شده اند:

1 - مرحله محاکات: فرایند تقلید در مراحل اولیه یعنی نوزادی، امری غریزی و بدون توجه و آگاهی تلقی می شود.

2 - مرحله ای که با اندکی توجه و آگاهی همراه است: همانند تقلیدهای کودکان در 2 یا 3 سالگی.

3 - فرد به مرحله ای می رسد که الگوگیری های او آگاهانه و توأم با انتخاب و گزینش است، همانند آن چه در سنین نوجوانی و جوانی روی می دهد که اگرچه اساس توان تقلید در این مرحله ذاتی است، اما انگیزه مؤثر در رفتار تقلیدی او آموخته و آگاهانه است و به دنبال تجزیه و تحلیل های ذهنی می رود. در واقع تقلید نوعی تطابق با محیط است نه رفتاری غریزی و نا آگاهانه و

ص: 108

1- غرر الحکم و در الکلام، مترجم رجایی، سید مهدی، فصل نهم، شماره 162.

2- اسلام و تعلیم و تربیت، ج 2، ص 98.

بی هدف بلکه رفتاری است که هم چون بسیاری از ادراکات از قبیل ادراک اصل علیّت نخست حالت ارتکازی و نیمه آگاهانه دارد و به مرور زمان رشد می کند و آگاهانه می شود. (1) در راستای استفاده از الگوها برای تربیت باید به نکاتی چند توجه داشت.

الف: هر اندازه الگو محبوب تر باشد میزان تأثیر گذاریش بیش تر است.

ب: الگوهای غیرمستقیم تأثیر بیش تر دارد.

ج: الگو باید تجارت مذهبی را خوش آیند جلوه دهد مثلاً برای اولین نماز برنامه ای بسیار آسان و لذت بخش طراحی کند.

د: مؤثرترین و عام ترین الگوها، والدین هستند. زیرا آن ها اولین و آشناترین چهره هایی هستند که کودک با آن ها برخورد می کند و نیازمندی هایش را تأمین می کند. لذا آن ها را بهترین و خیرخواه ترین اشخاص می داند که می تواند سرمشق خود قرار دهد. بعد از پدر و مادر، معلم جاذب ترین و با نفوذترین افراد مؤثر در کودک و نوجوان است چون با روح و جان آن ها سر و کار دارد. (2)

برای بررسی فرایند تقلید و همانندسازی مناسب تر است مقاطع سنی به صورت تفکیکی بررسی شود:

کودکی: بعضی روان شناسان دوره کودکی را به 3 دوره ی مجزّا تقسیم کرده اند:

دوره اول: از تولد تا 3 سالگی دوره دوم: از 3 تا 7 سالگی دوره سوم: از 7 سالگی تا بلوغ

دوره اول: همانندسازی، در این هنگام به صورت محبّت و مهربانی از طرف

ص: 109

1- تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، صص 41-44.

2- اسلام و تعلیم و تربیت، ج2، صص 100 - 103.

در این میان نقش مادر و جنبه الگویی او بسیار مهم است زیرا مادر بیش تر در کنار او و نخستین سرمشق وی می باشد.

دوره دوم: در همانندسازی توجه به رشد فرا خود و وجدان کودک دارای اهمیت است. علائم رشد فرا خود و وجدان در دوره دوم کودکی آشکار می گردد. کودک رفتار خود را با معیارهای والدینش همگام می سازد.

دوره سوم: پایه و اساس معیارهای اخلاقی که قبل از ورود به دبستان بنا شده در دوره سوم کودکی با سرعت زیاد توسعه می یابد.

این معیار، ابتدا به واسطه ترس از والدین یا جلب محبت آن ها اجرا می گردد، تدریجاً جزء خصوصیت شخصیت کودک می گردد، چنان چه معیارهای اخلاقی در طفولیت به وجود نیایند در نوجوانی و بزرگ سالی، فرزند تابع تمایلات و غرایز خودش گردیده و از عهده ضبط رفتار خود بر نخواهد آمد. (2)

نوجوانی و جوانی: در سنین نوجوانی، اعتمادی که کودکان نسبت به بزرگ ترها دارند؛ وجود ندارد و آن ها رفتارهای والدین را زیر ذره بین نقادی و کنجکاوی قرار می دهند و حتی شاید زیاده روی کنند و اگر تضاد بین رفتار و گفتار آن ها مشاهده کنند نسبت به توصیه های آن ها بی اعتماد می شوند. (3) نکته قابل توجه این است که در معرفی الگوها باید دقت شود که مخصوصاً الگوهای دینی نباید به مثابه فوق بشر باشد بلکه باید بشر ما فوق تلقی شود. زیرا فوق بشر نمی تواند

الگوی نیکویی برای آدمی باشد.

یکی از عوامل مهم مؤثر در این عرصه، مطالعه زندگی شخصیت های

ص: 110

1- روانشناسی کودک، ص 174.

2- همان، صص 174-247.

3- راهنمای پدران و مادران و شیوههای برخورد با نوجوانان، ص 113.

برجسته اسلامی مانند نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیه السلام) و علمای بزرگ است. همان طور که تحقیقات در خصوص کسانی که به اسلام و شیعه گرویده اند، این سخن را تأیید می کند. به هر حال روش الگویی، بهترین و مؤثرترین و طبیعی ترین وسیله برای انتقال ارزش های اخلاقی و فرهنگی در خانواده است. (1)

طبق آن چه گفته شد یک مادر باید چه در مرحله ای که ویژگی فطری تقلید به صورت غریزی و نا آگاهانه است و چه آگاهانه، در همه این مراحل باید معیارها و اصول و ارزش های اخلاقی را به نحو احسن رعایت کند تا دخترش نیز به نحو مجسم و عینی یاد گرفته و این ارزش ها در دختر فراهم شود.

گفتار سوم: راه کار در از بین بردن عوامل منفی در عفت

اشاره

همان طور که ایجاد و تقویت عفت در دختر، اهمیّت دارد نگه داری از آن نیز در مقابل طوفان حوادث اهمیّت زیادی دارد؛ چرا که ممکن است در مسیر آن بعضی انحرافات به صورت عمدی یا سهوی پیش آید. وظیفه مادر در وحله ی اول پیش گیری است، چرا که پیش گیری بهتر از درمان است. حال اگر این اتفاق ناگوار افتاد و دختر در مسیر حفظ عفتش مشکلاتی برایش پیش آمد مادر باید از علل و مسائل و راه هایی آگاه باشد تا به نحو احسن آن ها را درمان کند و نگذارد پیش روی کنند. بنابراین مادر نیاز به آگاهی های دارد که به طور مختصر و مفید بررسی می شود.

الف) راه کار محیط داخل خانواده:

از روش های اصلاحی در تربیت، روش تذکر و القاء است. اثر تذکر از سوی

ص: 111

مادر بر کودک بیش تر است و موجب اصلاح یا لااقل مقدمه اصلاح است و اگر آن را نپذیرفت باید به صورت دیگری مثل داستان، قصه گویی و یا حتی تنبیه در آید. (1) البته در تذکر دادن هم باید نکاتی را رعایت کرد من جمله:

1 - تذکرات باید آرام و لطیف باشد نه توأم با خشونت.

2 - گاهی باید توأم با امر و نهی باشد ولی بدون خرد کردن شخصیت او.

3 - تذکر باید با سطح فکر و رشد کودک مطابقت داشته باشد و گاهی باید از استدلالات کودکانه استفاده کرد.

4 - تذکر مجدد و تکرار به شرطی که از حد اعتدال نگذرد و باعث سرخوردگی و تضعیف اعتماد به نفس فرزند نشود، ضروری است. البته علت تکرار اشتباه را هم باید جستجو کرد.

5 - تذکر و القاء گاهی باید قبل از وقوع یک عمل باشد و گرنه بعدها کمتر مؤثر واقع می شود. (2)

یکی از موارد مهم در حفظ عفت فرزند، مخصوصاً دختر توجه به غریزه جنسی و احتیاط های لازم در آن است که قبلاً نیز گفته شد. جلوگیری از تحریک و هیجان میل جنسی: اگر این میل در نوجوانی به هیجان آید جلوگیری از عواقب بعدی کاری بسیار دشوار است؛ از این رو برای این منظور محیط خانواده نباید چنان باشد که به این انگیزه نیرومند دامن بزند، یا آن را به هیجان در آورد. طرز لباس پوشیدن و آرایش مادر و خواهران نباید چنان باشد که زمینه انحراف را در پسران نوجوان و یا دختران فراهم آورد. معمولاً بیش تر مادران به این مهم توجه نمی کنند. (3)

ص: 112

1- نقش مادر در تربیت، ص 169.

2- همان، صص 171-172.

3- راهنمای پدران و مادران، ج اول، ص 89.

در این جا می بایست از خطا و اشتباه والدین در روابط خود یاد کرد گاهی در حضور کودک و به گونه ای بی پروا و با این تصور که او طفل است و از این موارد سر در نمی آورد،

رفتارهای بد آموزی در نظر فرزندان نمود پیدا می کند که به بیداری نابهنگام جنسی منجر می شود لذا باید از این رفتارها اجتناب کنند. (1)

مؤثرترین روش برای پیش گیری از کجروی های برخاسته از میل جنسی و سایر بزه کاری ها در سنین نوجوانی و جوانی، پرورش تقویت ایمان دینی است. (2)

حال اگر احیاناً فرزند به راه اشتباه رفت باید اقداماتی انجام داد از قبیل:

1 - دادن آگاهی لازم به فرد که دریابد در مسیر ناروا و لغزش قرار گرفته و افزایش بصیرت وی درباره محرک ها و عوامل انحراف.

2 - دادن تذکرات خیر خواهانه به صورت غیر مستقیم و گاهی اوقات مستقیم

3 - آموزش مذهب و تقویت نیروی ایمان و روشن کردن ارزش پاکی عفت.

4 - تغافل نسبت به مسئله به شرطی که برایش درس آموز باشد به ویژه وقتی شرمنده باشد.

5 - تأمین اوقات فراغت از طریق ایجاد سرگرمی هایی مثل فعالیت ورزشی.

6 - دادن عزت نفس به فرزند و تقویت حیای عاقلانه و احترام به شخصیت او به گونه ای که حاضر نشود خود را در معرض تحقیرها و تخفیف ها قرار دهد. (3)

علاوه بر این ها، والدین باید علت لغزش فرزند خود را بیابند چه بسا علت

ص: 113

1- خانواده و فرزندان، صص 175-177.

2- راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان،، صص 99-101.

3- خانواده و مسائل جنسی در کودکان، صص 244-246.

اصلی در نهایت ریشه در رفتار خود آن ها داشته باشد.(1) از علل دیگری که می تواند باعث لغزش دختر شود می توان موارد زیر را برشمرد.

1 - نامه های عاشقانه و مزاحمت های تلفنی.

2 - مطالعه کتاب و مجلات فاسد و گمراه کننده.(2)

بیداری نا به هنگام غریزه جنسی.

4 - تأخیر امر ازدواج.(3) 5 - فیلم های مبتذل.

6 - اوقات فراغت.

7 - موسیقی های مطرب؛ موسیقی های مبتذل که مناسب مجالس لهو و لعب است علاوه بر ضررهای معنوی و اخلاقی مانند؛ قرار گرفتن در مسیر شهوات و افکار شیطانی، مردن دل ها، محروم شدن از لذت انس با خدا، پاره شدن پرده های عصمت، سبک شدن عقل، فراهم شدن زمینه گناه و استجابات نشدن دعا، بر جسم و اعصاب هم آثار سوئی دارد که امروزه از نظر علمی ثابت شده است.(4)

8 - تجدد و نوظللی: این گرچه یک امر طبیعی و فطری در جوانان است اما نباید به نام تجدد، معیار خوبی و بدی را جدید و قدیمی بودن قرار دهند که این همان اخلاق نسبی غربی است، بر عکس باید بدانند این نوع گرایش در حد طبیعی خود باید در امور متغیر زندگی باشد نه در امور ثابت و جاوید مثل

ص: 114

1- راهنمای پدران و مادران و شیوههای برخورد با نوجوانان، ص 101.

2- برای ریحانه، صص 42-46.

3- خانواده و مسائل جنسی کودکان، ص 232.

4- جوانان در طوفان غرائز، صص 71-73.

احکام الهی. (1) والدین هم باید مقتضیات زمان را در نظر بگیرند. امام علی (علیه السلام) در حدیثی می فرماید:

آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و فشار به فرزندان خویش تحمیل نکنید زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند. (2)

9- اینترنت؛ مطالعات اخیر نشان می دهد که فعالیت نوجوانان ما روز به روز خصوصی تر می شود و پشت درهای بسته اتاق خواب به دور از جمع خانواده شکل می گیرد.

روش استفاده از اینترنت به بافت خانوادگی استفاده کننده که به صورت مثبت یا منفی از اینترنت استفاده می کنند و هم میزان ارتباط و نظارت آن ها بستگی دارد. مادر هم باید به نحوه استفاده از اینترنت توسط دخترش و هم به مکانی که کامپیوتر در آن جا قرار می گیرد، توجه داشته باشد. (3)

شک نیست که در امر تربیت فرزندان، پدران و مادران هر دو وظیفه دارند. اما از جهات گوناگون وظیفه ی مادران سنگین تر و تعهد و مسئولیت آن ها درباره دختران بیش تر است مادر باید بیدار و هوشیار باشد.

تربیت دختران به هنگامی امکان دارد که مادر شناخت نسبتاً جامعی درباره ی آن ها داشته باشد و این شناخت به هر میزان که وسیع تر و پر دامنه تر باشد توفیق بیش تر است. (4) این شناخت در سایه ارتباط صمیمانه و هر چه نزدیک تر مادر با دختر پدید می آید. (5)

ص: 115

1- همان، ص 34.

2- شرح نهج البلاغه، ج 20، کلمه 102، ص 267.

3- کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، صص 48-49.

4- دنیای نوجوانی دختران، صص 367-377.

5- کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، ص 76.

طفل از زمان ولادت تا پایان ایام بلوغ دوران متعدّدی از زندگی خود را طی می کند و در خلال این مدّت طولانی ضمن این که قوای جسمی او نیرومند می گردد استعداد اجتماعی اش نیز تدریجاً فعلیّت می یابد و عامل بسیار مؤثر در آن که شخصیت کودک را هم به صفات خوب یا، بد اجتماعی متصفّ می سازد، محیط تربیتی اوست. فرزندان بیش تر، صفات اجتماعی خود را از کسانی فرا می گیرند که از دوران کودکی تا ایّام جوانی در محیط های مختلف خانواده، آموزش گاه، کوی و برزن، به طور متناوب با آن ها در تماس و از رفتار و گفتارشان سرمشق گرفته اند. (1)

رشد و توسعه محیط اجتماعی در دوره سوم کودکی یعنی سن دبستان اهمیت بسیار دارد. پس از ورود کودک به دبستان، همسالان تدریجاً در رشد و نمو شخصیت او نقش مؤثری دارند. (2) که در گفتار قبل نیز بدان اشاره شد.

در این دوره علاقه مندی پسرها به تلفیق شدن به گروه همسالان بیش تر از دخترهاست. دختران بیش تر تمایل دارند وابستگی های خانوادگی خود را حفظ کنند ولی در ضمن، علاقه مند به ایجاد روابط دو نفری هستند از همین روی احساسات و عواطف دختران در روابطی که با یک دوست برقرار می سازند به مراتب شدیدتر از علائق پسرها در روابط بین خودشان می باشد. (3)

در دوره نوجوانی نیز از یک سوی عواطف نوجوان نسبت به دوران کودکی عمق بیش تری پیدا می کند و دوستی ها، عمیق و انتخابی می شوند و از سوی دیگر نوجوان در پی کسب استقلال از بزرگ سالان به گروه همسالان توجه

ص: 116

1- جوان از نظر عقل و احساسات، ج 2، ص 75.

2- روانشناسی کودک، ص 248.

3- همان، ص 247.

پیدا می کند و اثرپذیری از آن ها به بیش ترین حدّ خود می رسد، بررسی های علمی نیز این مطلب را نشان می دهد.

به همین علّت خطر دوستی های نامناسب در این دوران بسیار بیش تر و عواقب وخیم تری دارند. مراقبت خانواده در این دوران از اهمیّتی ویژه برخوردار است. والدین باید به نحوی متقاعدشان سازند که از مراقبت بی نیاز نیستند و این مراقبت ناشی از علاقه و مسئولیتی است که خانواده در برابر فرزندان دارد نه این که به آن ها بی اعتمادند. (1)

یکی دیگر از مواردی که پدر و مادر می توانند به کمک آن فرزند خود را از عوامل زائل کننده عفت در محیط بیرون مصون نگه دارند، آگاهی و آموزش کنترل نگاه در فرزندان است زیرا اولین قدم اساسی و علمی در کنترل خواسته های نفسانی، مراقبت از نگاه و بی بندباری و دوری از صحنه های مهیج است.

از عوامل بسیار مؤثر دیگری که نقش مهمی در تحریک فرزند مخصوصاً دختر به سوی گناه و بی عفتی دارد نیروهای تخیل و فکر است. این نیروی فطری در دوران جوانی و نوجوانی ممکن است تحت تأثیر و تسلط غریزه جنسی و وسوسه های شیطانی قرار بگیرد و فرد را به ایجاد روابط ناسالم بکشاند. باید به وی فهمانده شود تا آن جا که می تواند از یاد خدا غفلت نرزد و اوقات خود را با برنامه های سودمند مثل مطالعه و تحقیق، فعالیت های هنری و ورزش مناسب پر کند تا دیگر مجالی برای وسوسه های بی جا و تخیل و توهم درباره ی صحنه های شهوت انگیز باقی نماند چرا که بیکاری منشاء همه انحرافات است.

مادر باید فرزند را آگاه سازد که در هر اقدام که خواهان انجام آن است

ص: 117

باید ریشه تمایلات خود را بررسی کند.

اگر موافق عقل و قوانین شرع بود آن را دنبال کند وگرنه صرف نظر نماید. این مسأله برای دختر به خاطر احساسات و عواطف قوی او از اهمیت بیش تری برخوردار است. از طرفی دیگر باید دختر را از شرکت در بعضی برنامه های تفریحی یا میهمانی هایی که او را اجباراً به رفت و آمد و برخورد با نامحرمان وادار می سازد، منع کرد زیرا این برخوردها اولین زمینه اختلال روحی و انحراف او را فراهم می سازد. (1) ممکن است زمینه روابط نامشروع با جنس مخالف و دوستی با آن ها را فراهم کند.

بنابراین مخصوصاً اگر فرزند دختر در سنین ازدواج باشد باید آگاه شود که معمولاً دوستی های قبل از ازدواج با جنس مخالف برای کامیابی های جنسی در اثر غلبه شهوات صورت می گیرد. در این جا مناسب است علل روابط دختر و پسر بیان شود که بدین شرح است:

1 - عدم ارضای غریزه جنسی به دلیل بالا رفتن سن ازدواج.

2 - احساس نیاز به محبت به دلیل ارضا نشدن آن در خانواده.

3 - الگو گرفتن از فرهنگ بیگانه که طبق فرهنگ آن ها، این گونه روابط عامل رشد و نشانه کمال و شخصیت است.

در این زمان وظایف والدین عبارت است از:

1 - ارضای صحیح و مشروع این غریزه.

2 - تحکیم روابط خانوادگی و ایجاد فضای عاطفی مثبت؛

3 - گسترش روابط صمیمانه و دوستانه وی بین همسالان هم جنس که البته افرادی ارزش مند و با ایمان باشند.

ص: 118

1- جوانان و پرسشها و پاسخها، صص 325-330.

4- آگاه کردن آن‌ها به مسئله خودکنترلی از طریق کنترل حواس ظاهری و افکار و پر کردن اوقات فراغت برخورد روشن‌گرانه و مهرورزانه والدین به خصوص مادر در مورد دختر می‌تواند به تغییر رفتار آن‌ها بیانجامد. (1)

یکی از مواردی که درباره محیط بیرون مادر باید مد نظر قرار دهد این است که متأسفانه در جهان کنونی یعنی دنیای صنعت و ماشین روش‌های اجتماعی به سرعت عوض می‌شود در خلال این تحولات چه بسیار نارواها در نظر مردم روا می‌شود و رواها، ناروا می‌گردد. در چنین وضعی بیش‌تر جوانان دچار کشمکش‌های درونی می‌شوند و از تضاد و ناسازگاری تربیت‌های خانوادگی با روش‌های نوین اجتماعی، ناراحت و نگران می‌گردند. (2)

در این موقع این مادر است که باید به کمک فرزند بشتابد و با آگاهی از مقتضیات زمان، خواسته‌های مثبت و به صلاح دختر خویش را جامه‌ی عمل بپوشاند و خواسته‌های منفی و غیر صلاح آن‌ها را با روش منطقی رد نماید و راه حق را به وی نشان دهد.

ج) مبارزه با الگو برداری نامناسب:

از ابتدای ولادت، تقلید شیوه‌ای برای تعدیل الگوهای رفتار اجتماعی کودک است. همه کودکان به ویژه کودکان با هوش‌تر، تلقین‌پذیرتر هستند و عاداتی را الگوگیری می‌کنند. (3) یکی از مهم‌ترین راه‌های الگوگیری فرزندان، وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً تلویزیون است. میزان توجه و تقلید کودک از برنامه تلویزیون با رشد او تغییر می‌کند. (4)

ص: 119

1- جوان از نظر عقل و احساسات، ج 2، صص 77-78.

2- همان، ص 82.

3- روانشناسی رشد، ج 2، ص 845.

4- همان، ص 847.

این وسایل همانند مدرسه ایست که در تمام نقاط و در تمام زمان ها در دسترس است. نفوذ این وسایل ارتباطی از خانواده و مدرسه و همسالان هم بیش تر است؛ بنابراین امتیاز خاصی دارند.

الگوهای تلویزیونی از طریق مجریان برنامه ها، گویندگان اخبار، فیلم و دیگر برنامه ها به جامعه ارائه می شود.

رفتارهای اجتماعی مطلوب از قبیل: همکاری، همدردی و ایثار و... هم چنین رفتارهای ضد اجتماعی نظیر: پرخاش گری و جنایت همگی از طریق تلویزیون القاء می شود. یکی از عوامل موفقیت تلویزیون، سمعی و بصری بودن آن است و این بعد تلویزیون با سایر وسایل ارتباط جمعی تفاوت بسیار دارد.⁽¹⁾ لازم

به ذکر است که این حس الگوپذیری در دوره ی نوجوانی و جوانی به اوج خود می رسد؛ زیرا یکی از ویژگی ها دوران جوانی حس الگوپذیری است و با نظر به فطری بودن حس کمال طلبی، جوانان برای تکوین شخصیت روحی و فکری و اجتماعی خویش همواره سعی می کنند افرادی را که از نظر مادی یا معنوی به کمال رسیده اند الگوی خویش قرار دهند.

دنیای غرب که به این خواسته و نیاز جوانان پی برده در اشاعه ی الگوهای کاذب و شخصیت های دروغین می کوشد تا جوانان را از هویت انسانی جدا کند؛ به همین دلیل به معرفی هنرپیشه های فاسد سینما، ورزش کاران بی بندوبار، قهرمانان بی شخصیت و خوانندگان پست می پردازد و آنان را الگو معرفی می کند. البته همه این ها در پرتو امور مقدسی مانند ورزش و هنر، دفاع و نشاط روحی به خورد جوانان می دهند.

پس مهم است که جوانان بدانند باید از فردی که در جامعه نمونه است و می خواهند او را الگوی خود قرار دهند، شناخت کافی داشته باشند، از

ص: 120

الگوپذیری های جاهلانه برحذر باشند و به امید رسیدن به مقامات فردی یا اجتماعی، نباید اعمال و افکار نادرست شخصیت های معروف را سرمشق قرار دهند. (1) یکی از نکات قابل توجه این است که: گسترش الگوهای غلط و رواج بیش ها و روش های نامناسب در ارتباط با زن در اغلب فرهنگ ها، بازنگری اساسی در زمینه پرورش روحیه ی سالم زنان در دختران را می طلبد. (2)

لذا خانواده ها به خصوص مادران در این زمینه باید دختران خود را با ارزش های وجودی خود و مواهبی که خداوند در درون آن ها به ودیعت نهاده آشنا سازند و از هرگونه برخوردی که به ایجاد عقده حقارت در آن ها بینجامد، خودداری کنند، آن ها باید احساس کرامت را درون دختران خود زنده و بیدار سازند تا آن ها به سادگی تسلیم روش های غلط که نتیجه ای جز تحقیر زن و از بین رفتن سرمایه های درونی او ندارد نشوند.

حیای یکی از عالی ترین ویژگی های اخلاقی زنان است که باید در همه حالات و حرکات آن ها نمود داشته باشد و پرواضح است که دختران این درس را قبل از همه باید از مادران خود فرا گیرند. (3)

از آن چه در این فصل گفته شد این نتیجه را می توان گرفت که یک مادر برای عفت فرزند دختر باید تا جایی که امکان دارد هم خودش پاک دامن باشد و هم همسر مناسبی از هر جهت خصوصاً از جهت ایمان و اخلاق برگزیند.

در قبل و حین بارداری مسائل تأثیرگذار در جنین را رعایت کند و بعد از تولّد هم غذای پاک و حلال به بچه بخوراند و نیازهای اقتصادی او را تا حد

ص: 121

1- جوانان در طوفان غرائز، ص 26.

2- راهنمای پدران و مادران، جلد اول، همان، ص 78.

3- راهنمای پدران و مادران و شیوههای برخورد با نوجوانان، ص 80-83.

امکان تأمین کند و هم در جنبه معنوی باید به رشد اخلاقی دختر خود از دوران کودکی توجه کند و برای نتیجه گیری بهتر در مسیر این رشد، دختر را از آموزش های مذهبی و دینی بهره مند سازد؛ در سایه این تلاش ها شخصیت دخترش بر اساس، اخلاق مذهبی و با عفت شکل می گیرد، البته باز در زمینه رشد شخصیت وی از توجه کردن به وی عزت نفس دادن و تکریم فرزند و در کنار آن از الگوی خوب بودن خود غافل نماند.

مادر باید ویژگی های روحی، روانی و جسمانی دختر خود را در مقاطع سنی مختلف بداند و بر اساس آن تدبیر و چاره اندیشی کند؛ روابط صمیمانه با او داشته باشد مقتضیات زمان را هم مد نظر قرار دهد در نتیجه مصلحت های فردی و اجتماعی را در تصمیم گیری خود اعمال نماید، لذا در آداب و رسوم معمول اجتماعی، سهل گیر و در اصول ثابت اسلام سخت گیری شود البته تا حد اعتدال و با شیوه های مناسب. او باید به روش های تربیت صحیح اسلامی آگاه باشد چه در جهت ایجاد معیارهای اخلاقی و دینی در فرزند و چه حفظ و تقویت و هم چنین اصلاح آن ها مثل تذکر، نصیحت، تنبیه و تشویق و... که هر کدام را به جا و به اندازه باید استفاده کند. یک مادر خوب ویژگی های فطری فرزند را در نظر می گیرد مثل تقلید کردن، عزت نفس خواستن، حس دوست یابی و حمایت های اجتماعی که این امور در همه سنین وجود دارند و مثل حس کمال طلبی، خودنمایی یا استقلال طلبی و میل به جنس مخالف، غریزه جنسی و... که در سنین نوجوانی و جوانی وجود دارند.

مادر باید این ویژگی های فطری را در مسیر صحیح هدایت و رهبری همه جانبه کند و همه جوانب شخصیتی دختر و نیازهای او را به نحو متعادل و هماهنگ بر طرف سازد که در درجه اول رضایت خداوند متعال و در درجه بعدی رضایت فرزند و اجتماع را در پی دارد و نباید اجازه دهد این غرایز فطری

دچار افراط و تفریط شوند و فرزند خویش را نیز آگاه سازد.

البته کنترل این غرایز و آموزش راه های صحیح به فرزند مخصوصاً دختر باید به نحو «درون فکنی» باشد.

که از طریق روابط صمیمانه الگوی جامع بودن و فراهم کردن زمینه های مناسب و نمونه الگویی و هم چنین به کار بردن روش های آموزشی و تربیت صحیح به دست می آید تا فرزند دختر هم در حضور و هم در غیاب مادر، عفت خود را حفظ کند. البته آگاهی های لازم هم باید به فرزندش بدهد مثل ارزش عفت و مضرات بی عفتی، عوامل انحرافی و نحوه مبارزه با آن ها، خود کنترلی و تقویت ایمان و...

در کنار مادر، پدر هم باید هم کاری و هم راهی و حمایت کند ولی مادر نقش اصلی را ایفا می کند.

ص: 123

بنا بر آن چه که در کلیه فصول گذشت می توان این نتیجه را گرفت که مادر برای این که نقش و اثر ماندگاری در عفت فرزند دوشیزه و باکره خود داشته باشد و خود نگه داری

در مقابل گناهان را در او ایجاد کند مراحل را باید طی کند که به ترتیب ذکر می شود.

البته باید دانست عفت هم در مسائل مادی مثل نیازهای اقتصادی و هم غیر مادی مثل امور جنسی مطرح است، و اما مراحل عبارتند از:

1 - مرحله ی اول: مادر در درجه ی اول خودش باید عقیفه باشد و عفت در همه ابعاد آن یعنی: نگاه، کلام، حجاب و پوشش، اخلاق و رفتار در ظاهر و باطن او نمود داشته باشد. عوامل مؤثر در عفت مثل ایمان به خدا و معاد، عزت نفس، خودکنترلی... و هم چنین عوامل مؤثر در بی عفتی مثل چشم چرانی، تهاجم فرهنگی، بیکاری و... را بشناسد و نسبت به تقویت یا زائل کردن آن ها تا جایی که می تواند بکوشد.

2 - مرحله ی دوم: این مرحله انتخاب همسر عقیف است که در شکل گیری جنین نقش اساسی دارد و بعد از آن هم از حمایت های مادی و معنوی او برخوردار می گردد.

3 - مرحله ی سوم: مرحله ی بارداری است که با رعایت تغذیه مناسب و

پرهیز از داروهای غیر مجاز و اعتیاد و... که در سلامت جنین بسیار مهم است و نیز حالات روحی نامناسب و تغذیه حرام و... را از خود دور سازد و در عوض حالات روحی مناسب را که همراه با معنویت است در خود ایجاد و تقویت نماید.

4 - مرحله ی چهارم: مرحله ی بعد از تولّد است. در این مرحله نیز هم بعد مادی و هم بعد معنوی عفت را باید در نظر گرفت زیرا یک انسان متشکل از جسم و روح است. در هر کدام که کوتاهی کند باعث می شود که انسان کاملی نباشد انسان کاملی که «خلیفه الله» است.

مادر اگر با تمام توان در عفت خود بکوشد و معیارهای اخلاقی و دینی را رعایت کند و خودش را مجسمه عفت سازد و هم چنین تضاد بین گفتار و رفتار نباشد، دختر نیز از او یاد می گیرد و او را اسوه ی خود قرار می دهد.

محیط بیرون از مواردی است که نباید از آن غفلت نمود چرا که محیط بیرون مثل مدرسه و دیگر محیط های اجتماعی بر فرزند مؤثر هستند پس باید از تأثیر همسالان نیز غافل نباشد و او را هدایت کند.

همان طور که مادر در محیط خانه باید جو مناسب ایجاد کند. در محیط بیرون نیز اهتمام لازم را انجام دهد باشد که جامعه ای سالم و سعادت مند داشته باشیم. انشاء الله.

اقداماتی که مادر عفیف برای عفت فرزند دختر بعد از تولد می تواند انجام دهد عبارت است از:

الف: در بعد مادی: نیازهای اقتصادی او را اعم از غذا، مسکن، پوشاک و... تا حد امکان تأمین کند و به فکر سلامت جسم و تن او باشد.

ب: در بعد معنوی باید به فکر سلامتی روح او باشد. مادر باید بداند همان طور که در تعریف گفته شده، دختر تا موقعی که ازدواج نکرده و باکره است و تحت مسئولیت پدر و مادر می باشد، وظیفه ی حفظ عفت او به دست آن هاست بعد از ازدواج، همسرش این مهم را برعهده می گیرد، اما به صورت نامحسوس باز هم مادر باید او را کنترل کند تا از جاده عفت، منحرف نگردد.

نکته هایی که در بعد معنوی عفت حائز اهمیت اند عبارتند از:

1 - مادر باید شیر و غذای حلال به او بخوراند که اثر وضعی دارد.

2 - عفت از نتایج و مظاهر ایمان و تقواست بنابراین، برای تقویت آن باید در درجه ی اول به تحکیم ایمان و تقویت باورهای دینی جامعه که در حکم و ریشه ی اخلاق و رفتار است توجه شود.

3 - در توسعه فرهنگ عفت عمومی لازم است به تحکیم ارزش ها و مفاهیم

اخلاقی خاصی از قبیل؛ تقوا، عفت، حیا، غیرت که با عفت رابطه نزدیک و با واسطه دارند و از ثمرات ایمان محسوب می شوند و نیز به آموزش احکام شرعی مربوط به عفاف و آموزش صحیح رفتار زن و مرد با یک دیگر در جامعه و خانواده، توجه کافی مبذول شود.

4- توضیح و تبیین دائمی فلسفه و فواید عفت در زندگی فردی و اجتماعی و بیان آثار و نتایج سوء عدم رعایت عفاف امری ضروری است.

5- عفاف یکی امر تربیتی مرتبط با خانواده است، بنابراین تربیت خانوادگی در تثبیت فرهنگ عفاف در اندیشه و روح افراد نقش اصلی و عمده را ایفا می کند برای این که خانواده بتواند نقش تربیتی خود در زمینه عفت را در بین دختران به خوبی ایفا نماید لازم است دلایل عفت دختران به والدین آموزش داده شود. خوشبختانه کتاب هایی که در زمینه تربیتی و نقش مادران می باشد فراوان است البته علاوه بر خانواده نباید از نقش مؤثر مدرسه و دانشگاه در مقوله عفت غفلت نمود.

6- لازم است عموم افراد خصوصاً جوانان را از نقش عفاف در ایجاد هویت فرهنگی و ملی مستقل برای کشور و ملت آگاه کرد و مقاصد دشمنان در ترویج فرهنگ بی عفتی را که خود یکی از راه های هجمه فرهنگی است با ذکر شواهد و نمونه تشریح نمود.

7- در توسعه و ترویج عفاف باید بر فعالیت های

فرهنگی، آموزشی و تبلیغی و ارشادی تأکید گردد و سعی شود فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه و محیط به نحوی ساخته شود که افراد به صورت طبیعی در آن فضا به رعایت عفاف رغبت نمایند و بدان عادت کنند و از برخوردهای تند و خشونت آمیز که موجب بدبینی به اسلام می گردد، پرهیز شود.

8- در توسعه و ترویج فرهنگ عفاف نباید تنها زنان مخاطب قرار گیرند و

نقش و مسئولیت مردان فراموش شود، بلکه باید عفاف به عنوان امر مشترکی که به زن و مرد مربوط می شود، تبیین گردد.

9- لازم است در انتخاب و معرفی اسوه ها

و الگوها در جامعه به عفاف آنان به عنوان یک ارزش توجه کافی شود و در تبلیغات و در تجلیل از آثار ادبی و هنری زنان، شان و منزلت انسانی آنان و رعایت عفت مورد توجه قرار گیرد و بدون تردید صدا و سیما به عنوان یک دانشگاه عمومی در این زمینه نقش بسیار مهم تری دارد.

10- تبلیغ عفاف باید چنان باشد که موجب بدآموزی نشود و در این زمینه باید مقتضیات سنی، روحی و فرهنگی مخاطبان مورد توجه قرار گیرد. مثلاً برای آموزش عفت به دختران خردسال از قالب های ادبی مثل داستان استفاده شود.

11- در توسعه فرهنگ عفاف لازم است میان فعالیت های فرهنگی ارشادی و اجرایی، هم سویی و هماهنگی وجود داشته باشد و برنامه ها و اقدامات انجام شده به صورت مستمر مورد نظارت و ارزیابی و آسیب شناسی قرار گیرد.

12- در تبلیغ و ترویج عفاف باید بیش تر

بر جنبه های مثبت تکیه شود و شیوه های ارشادی دوستانه و مودبانه به کار گرفته شود و واکنش در برابر عدم رعایت عفاف باید تابع مقررات و محدود به حدود قانون باشد.

13- مدیران و مسئولان باید درباره ی

مسئله عفاف از آگاهی و حساسیت لازم برخوردار باشند و مخصوصاً باید به آموزش صحیح مجریان تبلیغ و پاسداری از عفاف اولویت داده شود.

14- در شهرسازی و معماری باید فرهنگ عفاف مدّ نظر قرار گیرد و محیط کار و نوع برنامه ها و استفاده از وسایل و امکانات به نحوی باشد که خود موجب اختلاط غیرضروری و نامناسب زن و مرد نشود.

15- ضروری است به ریشه ها و زمینه های اجتماعی و اقتصادی ضعف عفاف از قبیل روحیه اشرافی گری و تجمل پرستی از یک سوء و فقر و استیصال مادی از سوی دیگر و نیز دشواری های موجود بر سر راه ازدواج شرعی و قانونی و تشکیل خانواده در مورد صیانت از عفت عمومی توجه ویژه کرد.

ص: 130

1 - قرآن کریم، ترجمه ی ناصر مکارم شیرازی.

2 - نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی.

الف) منابع فارسی:

1 - اسنایدرمن، نانسی و استریپ، پگ، کلیدهای شناخت و رفتار با دخترها، مترجم اکرم کرمی، صابرین، چ 3، تهران 1386.

2 - اکبری، محمود، برای ریحانه، گلستان ادب، چاپ 21، قم، 1386.

3 - اکبری، محمود، مروارید عفاف، انتشارات نهضت، چ اول، قم، 1376.

4 - اکبری، محمدرضا، تحلیلی نو و علمی از حجاب در عصر حاضر، پیام عترت، چاپ سوم، بی جا، 1377.

5 - امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت (2)، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ اول، تهران، 1372.

6 - آشتیانی، محمدرضا و دیگران، تفسیر نمونه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، قم، 1362.

7 - بهشتی، احمد، نسل نو خاسته، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

ص: 131

- 8 - بیابان گر، اسماعیل، راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ 6، تهران 1386.
- 9 - بی ریا، ناصر و دیگران، روان شناسی رشد (2)، با نگرش به منابع اسلامی، دفتر هم کاری حوزه و دانشگاه چاپ اول، قم 1375.
- 10 - پرفسور عباس شوشتی، مهرین، فرهنگ لغات قرآن، انتشارات دریا، چاپ سوم، تهران، بی تا.
- 11 - جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، قم 1380.
- 12 - حسینیان، روح الله، حریم عفاف، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، بی جا، 1373.
- 13 - حسینی بهشتی، سید محمد، نقش آزادی در تربیت کودکان، انتشارات بقیعه، چاپ دوم، تهران 1381.
- 14 - حاجی ده آبادی، محمد علی و حسینی زاده، سیدعلی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، پژوهشگاه قم و دانشگاه، چاپ سوم، قم، 1386.
- 15 - حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، اسماعیلیان، چاپ اول، قم، 1369.
- 16 - حسینی شاهرودی، سید محمد، اسوه اخلاق، ناشر سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج با مشارکت شرکت ایران خودرو، چاپ اول، تهران 1376.
- 17 - دشتی، محمد، مسئولیت تربیت، بی نا، بی چا، بی جا، 1364.
- 18 - دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ اول، قم 1381.

- 19 - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی چا، تهران، سال های 1361، 1352 و 1341.
- 20 - رجبیان، زهره و آیت اللهی، زهرا، گدازگر، مریم، سن ازدواج دختران، سفیر صبح، چاپ اول، تهران، 1380.
- 21 - رجالی تهرانی، علیرضا، سیمای کودک و نوجوان و جوان در آثار استاد مطهری، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ سوم تهران، 1383.
- 22 - راغب اصفهانی، ترجمه تحقیق مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، انتشارات مرتضوی چاپ دوم، بی جا 1374.
- 23 - سجادی، سید محمد کاظم، عوامل انحراف انگیز در کودکان و نوجوانان، انتشارات دانشجو، بی چا، بی جا، بی تا.
- 24 - سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با نوجوانان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، تهران، 1372.
- 25 - سهراب پور، همت، جوانان در طوفان غرائز، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، قم، 1379.
- 26 - ساجدی، ابوالفضل، دنیا گریزی چرا؟ دین گرایی چه سان؟، موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی 1، چاپ سوم، قم 1386.
- 27 - شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ گلشن، تهران، 1378.
- 28 - شفیعی، سیدمحمد، پرورش روح (ج 1)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، نوبت چاپ اول، قم 1370.
- 29 - صفی یاری، مسعود، پیامبراعظم و مسائل خانواده، ناشر ظفر، چاپ زلال کوثر، چاپ اول، قم 1385.

30 - طیبی، ناهید، عطر عفاف، انتشارات جامعه الزهراء، چاپ اول، قم، 1386.

31 - طاهری، حبیب الله، سیری در مسائل خانواده، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، تهران، 1381.

32 - طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه و شرح نهایه الحکمه، ترجمه علی شیروانی، انتشارات در افکر، قم، چاپ پنجم، 1389.

33 - طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، ناشر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی جا، قم، 1363.

34 - عظیمی، سیروس، روان شناسی کودک، کتابفروش دهخدا، چاپ دوم، بی جا، 1363.

35 - علی بابائی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه، انتشارات در الکتب الاسلامیه، چاپ نهم، تهران 1380.

36 - عمید، حسن، فرهنگ عمید، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ هفتم، بی جا، 1353.

37 - عامری، حمیده، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی، زنان (گستره عفاف به گسترده زندگی)، بی جا، بی جا، بی تا،

38 - غفاری، علی اکبر، ترجمه نهج البلاغه، ناشر جامعه مدرسین، نوبت چاپ دوم، قم 1404 ق، 1363 ش.

39 - فلسفی، محمد تقی، جوان از نظر عقل و احساسات جلد 2، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، تهران 1382.

40 - فلسفی، محمد تقی، بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات جلد

1، هیئت نشر فرهنگ اسلامی، بی جا، تهران، 1352.

41 - قرائتی، محسن، تفسیر نور، موسسه در راه حق، چاپ اول، قم، 1374.

42 - قائمی، علی، خانواده و مسائل جنسی کودکان، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ دهم، تهران، 1376.

43 - قائمی، علی، نقش مادر در تربیت، انتشارات امیری، چاپ سوم، تهران، 1363.

44 - قائمی، علی، دنیای جوانی دختران، انتشارات امیری، چاپ دوم، بی جا، 1373.

45 - قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپخانه حیدری، چاپ هشتم، تهران، 1361.

46 - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم محمد باقر کمره ای، انتشارات اسوه، چاپ سوم، تهران، قم، 1375.

47 - کریمی، یوسف، روان شناسی اجتماعی، نشر ارسباران، چاپ نهم، تهران، 1380.

48 - کوهی، محمدرضا، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، ناشر انتشارات اتقان، چاپ دوم، 1383.

49 - لقمانی، احمد، جوانان و پرسش ها و پاسخ ها، بهشت بیس، چاپ اول، قم، 1382.

50 - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مترجم سید عبد الحسین رضایی، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، تهران 1364.

51 - محمدی ری شهری، محمد و شیخی، رضا، میزان الحکمه، دار الحدیث، قم، بی جا، 1377.

52 - محمدی ری شهری، محمد و شیخی، رضا، منتخب المیزان الحکمه، دارالحدیث، چاپ سوم، قم 1384.

53 - محمدی نیا، اسدالله، آن چه باید یک زن بداند، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان، چاپ هشتم، قم، 1380.

54 - معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، امیر کبیر، چاپ شانزدهم، تهران، 1379.

55 - منفرد شفتی، زینب، دختران ریحانه اند، ناشر احقاف، چاپ ثامن الحجج، نوبت چاپ اول، 1388.

56 - مهدی زاده، حسین، پرسمان حجاب، انتشارات صهبای یقین، چاپ پنجم، قم، زمستان، 1388.

57 - علامه مصطفوی، حسن، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، مترجم مصطفوی، ناشر انجمن حکمت و فلسفه ایران، بی جا، تهران 1360.

58 - معاونت پژوهشی، گروه روان شناسی، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، قم، 1386.

59 - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ناشر دارالکتاب الاسلامیه، بی جا، تهران 1353 - 1366 ش.

60 - هدایت خواه، ستاره، زیور عفاف، ناشر معاونت پژوهشی اداره آموزش و پرورش خراسان، چاپخانه دقت، 1375.

(ب) منابع عربی:

1 - ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مترجم ندارد، ناشر دار الشریف الرضی، چاپ دوم، بی جا، 1456.

- 2 - ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه ابی الحدید، مترجم ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، قم، 1404.
- 3 - امینی، ابراهیم و دیگران، معجم الوسیط، ناصر خسرو، چاپ دوم، تهران، بی تا.
- 4 - بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث للشیعه، مترجم جمعی از محققان، ناشر فرهنگ سبز، چاپ اول، بی جا، 1386.
- 5 - تمیمی، عامدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و در الکلام، مترجم رجایی، سید مهدی، ناشر دار الکتاب الاسلامی، نوبت چاپ دوم، قم، 1410 ق.
- 6 - حرعاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مترجم موسسه آل البیت 7، ناشر موسسه آل البیت 7، چاپ اول، قم 1409.
- 7 - حرعاملی، شیخ محمد بن الحسن، هدايه المله الى الاحکام الائمه، مترجم آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی گروه حدیث، چاپ اول، مشهد، 1414 ق.
- 8 - شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه صبحی صالح، مترجم فیض الاسلام، ناشر هجرت، چاپ اول، قم، 1414.
- 9 - طبرسی، شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجمان: میرباقری، سید ابراهیم و دیگران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، تهران، 1350 - 1360 ش.
- 10 - کراجی، محمد بن علی، معدن الجواهر و ریاضه الخواطر، مترجم حسینی، احمد، ناشر المکتبه المرتضویه، چاپ دوم، تهران، 1394 ق 1353 ش.
- 11 - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، غفاری، علی اکبر، آخوندی،

محمد، ناشر دارالکتاب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، 1407 ق.

12 - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مترجم جمعی از محققان، ناشر دار التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، 1403 ق.

ص: 138

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

